

# ما با آمریکا در جنگیم

## با وحدت خلل ناپذیر خود زیر رهبری امام خمینی، ثابت کنیم که ما وارثان شایسته خون و پیام شهیدانیم

امام خمینی (خطاب به جمعیت هائی که در خواست تشکیل دادند مدارس باز شود):

«اگر راست میگویند که شما با ملت هستید و نسبت به خلق وفادار هستید، باید شما خودتان در این امر با ملت ایران همراهی کنید»

رئیس جمهوری: «مطلب آنست که دشمنان ما را استوار، نستوه و توانایانند»

نخست وزیر: «آماده برای بسط و گسترش انقلابان بشید»

حزب توده ایران: «مهر و محبت! جز با یگانگی و اتحاد تمام نیروهای خلق نمی توان از عهده رویارویی با توطئه ها و دسیسه های رنگارنگ امپریالیسم، سرکردگی امپریالیسم آمریکا و رژیم مزدور پست و خوار و همه دشمنان داخلی و خارجی»

امام خمینی (خطاب به جمعیت هائی که در خواست تشکیل دادند مدارس باز شود):

«... امروز نیز حزب ما با درک مسئولیت تاریخی خود در قبال مردم و میهن و انقلاب، بار دیگر تمام خلق و همه نیروهای انقلابی را به اتحاد و یگانگی و وحدت عمل زیر پرچم انقلاب، رهبری امام خمینی دعوت میکند»

(از اعلامیه کمیته مرکزی حزب توده ایران، مورخه ۳۱ شهریور ۱۳۵۹)

آری، تاریخ، نسل کونز ایران و رحمان و دهرمان و احزاب و سازمانها و گروهها و نیروها و نهادها طبقات و اقشار - در یک کلمه کلیه آنکه و آنچه را که سرشت واقعی انقلابی و ایرانی دارند در بوفه آزمایش سنگین و در میان حال پراختار قرار داده است.

پته در صفحه ۷

پس از شکست کودتای ۲۸ تیرماه، خطوط اساسی نقشه آمریکا برای براندازی انقلاب جمهوری اسلامی ایران عبارت است از: تشدید و گسترش جنگ ایفائی بوسیله رژیم مزدور پستی عراق، ایجاد یک منطقه ضدانقلابی در منطقه ای از نوار مرزی ایران، که از غرب کشور شروع میشود و از جنوب غربی جنوب گذشته تا بلوچستان امتداد دارد، گیل و جمیع نیروهای ضدانقلابی مسلح ایرانی، در این منطقه و اعلام یک حکومت «آزاد» در آن است که، این حکومت «آزاد» ابتدا از طرف دستیاران آمریکایی - مصر و اسرائیل و عراق و ترکیه و پاکستان سعودی و پاکستان و غیره و سپس از جانب آمریکا و سایر کشورهای امپریالیستی برپاست شناخته شود - با کمک تسلیحاتی و مالی آنها، و زیر چتر حمایت نظامی، سیاسی و اقتصادی آنها.

ما با آمریکا در جنگیم و رژیم مزدور پست عراق، با حمله هوایی به فرودگاه های کشور ما و با گسترش دامنه جنگ در غرب و جنوب غربی کشور، جزئی از نقشه آمریکا را برای براندازی انقلاب جمهوری اسلامی ایران اجراء میکند

ما با آمریکا در جنگیم و سخن امام خمینی در پیام بیروزسراحت دارد که «ایران در حال جنگ است با آمریکا» و لذا هر کس، چه آگاهانه و چه ناآگاهانه، بخواهد در شرایط حساس کنونی، به نحوی از انحاء شریک جرمی برای آمریکا بشود و یا جنگ تجارزی ایفائی عراق را جدا از نقشه آمریکا جلوه دهد، خواسته یا ناخواسته - در جهت منحرف ساختن ست اصلی نبرد - سر - نوشتن سازی که ما با آمریکا درگیر آئیم، عمل کرده است.

نامه مردم

ارگان مرکزی حزب توده ایران

دوره هفتم، سال دوم، شماره ۳۰

چهارشنبه ۲۲ مهر ۱۳۵۹، شماره ۱۵۱۵

در تظاهرات عظیم به مناسبت آغاز سال تحصیلی، مردم شعار می دادند:

## مرگ بر شیطان بزرگ آمریکا آنکه مکیده خون ملت ما

قطعنامه کردهای: بکشیم تابا شکل خود در سر اسر کشور، هشت محکمی گردیم علیه امپریالیسم و عمال داخلی اش.

از آخرین توطئه آمریکا برده بر ما داشتند:

- تعطیل مدارس توسط آمریکائیان

بر بلاکارها نیز خواستهای خلق، در آفتاب خوش پاتیزی، سر درختند و به تاریخ سرده میشد:

مرگ بر امپریالیسم جهانیست

آمریکا

- رمز پیروزی ما وحدت است

امام خمینی

- با رفتن به مدارس، هشت محکمی بردها را بختیار سازمان

های هر خط او خواهیم زد

- ملاقاتی آموزان توسط تعطیل مدارس را، که راهگشای حاکمیت امپریالیسم آمریکائیانست، محکوم می نماییم

بر اساس گزارش خبرنگاران نامه «سرده» ساعت ۱۱ صبح، وقتی آخرین صفوف در امپریالیسم به دانشگاه تهران رسید، محوطه وسیع دانشگاه در دریای جمعیت غرق شده بود. علاوه بر زمین چمن و خیابانهای اطراف آن، خیابانهای ۱۶ آذر، قفس وسطی و سیسی از خیابان طالقانی از جمعیت موج پته در صفحه ۷

نسل جوان ایران، که در میان خون شیدان، از آزمون شکست انقلاب گذشته و در سنگرهای خیابانی، زیر زنجیر تانکها و قتل عام، دشمن خویش را شناخته است: نسل نوین ایران انقلابی است که در آوج خروش انقلاب، در کوره سوزان شور و خشم خلق آبدیده شده است: نسل تازه ایران، که پرالاماز شیدان فریاد «مرگ بر شیطان» را با دهان پر خون خوانده و خود صدها هزاران گلبرگ نثار انقلاب کرده است، دیروز در رژیم بیخونی خود، باز دیگر نشان داد که دشمن اصلی خویش را می شناسد و تا نابود کردن آن از پای نمی نشیند.

مرگ بر شیطان بزرگ آمریکا

آنکه مکیده خون ملت ما

بر اساس گزارش خبرنگاران نامه «سرده»، از اسد دیرروز، تهران، که بعد از تجاوز هوایی رژیم جنایتکار پستی عراق در حال آماده باش بود، شاهد عبور نسل جوان ایران، که در میان خون شیدان، از آزمون شکست انقلاب گذشته و در سنگرهای خیابانی، زیر زنجیر تانکها و قتل عام، دشمن خویش را شناخته است: نسل نوین ایران انقلابی است که در آوج خروش انقلاب، در کوره سوزان شور و خشم خلق آبدیده شده است: نسل تازه ایران، که پرالاماز شیدان فریاد «مرگ بر شیطان» را با دهان پر خون خوانده و خود صدها هزاران گلبرگ نثار انقلاب کرده است، دیروز در رژیم بیخونی خود، باز دیگر نشان داد که دشمن اصلی خویش را می شناسد و تا نابود کردن آن از پای نمی نشیند.

میلینها دانش آموز ایرانی، که همراه پدران و مادران و ملطمان خود، دست در دست، زنجیر ناکستی خلق را وحدت و استواری می بخشیدند، در روزی که ضدانقلاب تدارک حمله جدیدی را دیده بود، توطئه دشمن را با حضور خویش خنثی کردند.

پای خویش، در رژیم حامی، که مبارز دیگر وحدت و خروش پیش از پیروزی انقلاب را در قلبها زنده می کرد، فریاد زدند:

دشمن اشغال «جامه» توسط عده ای «اشخاص متفرقه»، که «نفرشان بازداشت و تحویل زندان اوین شدند، دفتر «جامه» از سوی دادستان به کارکنان آن مسترد گردید. این اقدام درست، چندی سریع دادستانی مورد تأیید همه هواداران انقلاب و جمهوری اسلامی ایران، از جمله حزب توده ایران واقع شد.

ای دکتر سامی، در گفتگویی که پدینال این حادثه با خبرنگار خبرگزاری پارس داشت، متذکر شد:

«هنگامیکه خود را به محل رسانده، پدینال این حادثه با خبرنگار خبرگزاری پارس داشت، متذکر شد:

«هنگامیکه خود را به محل رسانده، پدینال این حادثه با خبرنگار خبرگزاری پارس داشت، متذکر شد:

در همین حال اماکن و دفاتر احزاب، سازمانها و گروههای سیاسی، که فعالیتشان مطابق قانون اساسی وطنی است، آنها که اشغال شده است، باید به صاحبان شان مسترد گردد و از این پس نیز امنیت آنها از سوی نهادهای انقلابی و ارگانهای مربوطه دولتی جمهوری اسلامی ایران تأمین گردد.

ما مصرانه از نهادهای انقلابی و مقامات مسئول دولتی جمهوری اسلامی میخواهیم که دفتر حزب توده ایران و نامه «مردم» در تهران، همچنین دیگر اماکن حزب توده ایران در شهرستانها، که از سوی اشخاص غیر مسئول اشغال شده اند، هر چه زودتر مسترد گردند. ایجاد مواضع دسر راه فعالیت ملنی و قانونی حزب توده ایران، که پشتیبان اصولی و جدی خود از انقلاب و جمهوری اسلامی ایران را در عمل به ثبوت رسانده است، تنها میتواند بزیان انقلاب و بسوء دشمنان آن، امپریالیسم سرکردگی امپریالیسم آمریکا و ضدانقلاب برورده آن باشد. مواضع را برادرید و اماکن ما را در اختیار خودمان بگذارید.

بهترین راه مبارزه با لیبرالیسم، اجرای پی گیر قانون اساسی جمهوری اسلامی از جمله در زمینه آزادیهای سیاسی و اجتماعی است

منه ۴

در صفحات بعد

با ارائه کارنامه شورای انقلاب: صحت نظریات حزب توده ایران در باره ترکیب طبقاتی شورای انقلاب و دولت موقت ثابت شد

منه ۲

در اسلام باید نظم مقرر باشد... باید بهمان طوری که قانون اساسی مقرر کرده است و ملت به آن رای داده است باید بهمان طور عمل شود و اسباب این نبود که هر طایفه ای خودش را یک حکومتی داشته باشد و یک کارهای برخلاف مقررات بکنند.

این اشخاص غیر مسئول، که خودشان را گروه مسلط می - نامند، باید پیش از هر کس و پیش

# برای مبارزه با امپریالیسم آمریکا، دشمن اصلی مردم ایران، متحد شویم!



در جلسه علنی دیروز مجلس شورای اسلامی، که به ریاست حجت الاسلام هاشمی رفسنجانی تشکیل شده، نمایندگان تجاوز رژیم مزدور یعنی عراق به ایران را محکوم ساختند و آن را پوششی برای دخالت مستقیم آمریکا در ایران قلمداد کردند.

در آغاز این جلسه، حجت الاسلام هاشمی رفسنجانی، ضمن تذکراتی در مورد وضع کنونی کشور، اظهار داشت: «از دیروز من به ستاد رهبری عملیات جنگ در غرب کشور رفتم. در آنجا شاهد تلاش صادقانه و فداکاری برادران ارتش و مسئولان نظامی، برادران پاسدار، برادران کشته و زاندارمری و شیربانی بودم.»

رئیس مجلس افزود: «برای ما و هر مسلمان رومی که بیست آمده باعث تأسف است، زیرا ما انتظار داشتیم که این امکانات نظامی ما و عراق در جبهه علیه صهیونیسم، اسرائیل غاصب، و برای نجات منطقه و علیه تجاوز غرب در فلسطین بکار رود. متأسفانه صدام حسین، خائن و بیسه تیسیر امام، صدام دیوانه، ننگداشت و مرتکب خیانت شد که مستقیماً به نفع امپریالیسم غرب و در خدمت اسرائیل و عمال آمریکا در منطقه است. هواپیماهای عراق اینک برای نجات از حمله هواپیماهای ایران به فرودگاههای اردن منتقل شده اند و در آنجا سیر آمریکا از اسرائیل با مقامات اردنی تماس گرفته و از آنها خواسته است که این هواپیماها را از آنها بخواسته است که این هواپیماها از ترس از کشورهای صحرانوردی بمانند.»

**حجت الاسلام رفسنجانی گفت:** «دخالت‌های اسیر عراق فعلاً در حال بازجویی هستند که نتیجه آن بمدایه اطلاع ملت خواهد رسید. البته ما هیچوقت از دولت عراق انتظار نداشتیم که در برابر اسرائیل بیفتد و همیشه هم مانند منافقین دیگر برای جنگیدن در برابر اسرائیل شعارهای چپ‌روانه مطرح کرده است. به اسم اینکه ما مذاکره نمی‌کنیم و دیگران مذاکره می‌کنند، نیروهای خود و چند کشور دیگر را فلیج کرده است. ولی از اینکه همان نیروها در بیگاری یا ایران نابود شوند، متأسف نیست. ولی ملت عراق باید بداند که ما چنین چیزی را نمی‌خواهیم. این بیگاری به ما تحویل شده است و اینک چند نقطه در جنوب بغداد تحت بیابان هواپیماهای ایران قرار گرفته اند. لذا تذکراتی که لازم است از تریبون مجلس داده بشود یکی این است که، داخل کشور نیروهای ضدانقلاب مسکن است بخواهند از وضع موجود سوء استفاده کنند. شایعه پراکنی کنند که کردند، دیروز شایع کرده بودند که کودتای داخلی است تا مردم را به یادگاری بکشاند. عده‌ای مائینها را بیرون کشیده اند و برای ترساندن مردم صف بزرگ تشکیل داده اند. در مقابل فروشگاه‌ها صف غذای دست کرده اند و در همین صف‌ها به مردم دروغ می‌گویند. من تأکید می‌کنم که این کارها و بیست از نیاز خریدن خود اعمال ضدانقلابی و کارهایی خلاف جهت مصلحت انقلاب هستند. اولاً مردم باید مطمئن باشند که عراق در آن وضعی نیست که بتواند ما را در شرایط بدی بگذارد. ثانیاً وقتی برادران شما در آنجا می‌جنگند، احتکار بنزین و سایر کالاها عمل ضدانقلابی است. مردم در نقاط مختلف کشور مشتاقانه آماده رفتن به جبهه هستند و در اینجا، در تهران، مردم خواستار صلح شدن هستند. آفتاب چند ضدانقلابی، محترک صف درست می‌کنند و در برابر انقلاب می‌ایستند. مردم خود باید جواب این افراد بدهند.»

پس از پایان سخنان رئیس مجلس، حجت الاسلام خانه‌ای، نماینده مجلس و عضو شورایی دفاع، پشت میکروفون قرار گرفت و ضمن سخنانی درباره حمله هوایی عراق به ایران اظهار داشت:

«از صبح سه فروردین یک عراقی سرنگون شده است. یکی از این میگها قصد حمله به خاگ را داشته است و دیگری در ساعت ۲ صبح به شهر اهواز، پایگاه همدان و فرود سوم هم به فرودگاه سنجند حمله کرده بود. نیروی هوایی ارتش جمهوری اسلامی ایران از صبح در حدود ۱۵ مرتبه نظامی در عراق را کوبیده است، از جمله جنوب بغداد و شهر موصل. تعداد هواپیماهای ایرانی ۱۴۰ فروند بوده است و هواپیماها تقریباً همگی به سلامت برگشتند و از چند فروند اطلاعاتی در دست نیست، که تعداد آنها زیاد نیست. حملات زمینی از دیشب ادامه دارد و صبح نیروهای خودی تسلحه را باز پس گرفتند و آنها را عقب راندند. ۳ میگ صالح آباد را کوبیده، ولی خسارات مهم نیست. ایلام آرام است. دیروز (پنجشنبه) مجموعاً ده میگ عراقی سرنگون شد و یک فروند ما در اثر تصادف آسیب دید و برنگشت. مجموعاً از نظر زمینی وضع خوب و از نظر هوایی وضع عالی است. ضمناً ۴ فروند ناوچه موشک‌انداز عراقی غرق شدند.»

پس از گزارش حجت الاسلام خانه‌ای، چند تن از نمایندگان در همین زمینه سخن گفتند. فخرالدین حجاری در این مورد اظهار داشت:

سخنی دارم یا کوه، توالدهایم دبیر کل سازمان ملل متحد که گفته است: ایران آتش‌بس بدهد. ما از وی سؤال می‌کنیم: در طی این یک سال و نیم که عراق به ما ضرباتی زده است، ایشان سخن نگفته اند، و الا آن که قدرت ما را احساس می‌کنند، پیشنهاد آتش‌بس می‌دهند بنابراین ما به ایشان اعلام می‌کنیم که ما هرگز آتش‌بس نمی‌دهیم و ارتش نیرومند و سپاه پاسداران ما و نیروی بسیج مستضعفین آماده شرکت در این نبرد هستند، تنها قدرتمندترین ضربه را بر عراق تجاوز وارد کنند. ضمناً آقای کورتوالدهایم باید یک یادداشتی هم به دولت آمریکا بدهد، چون این آمریکا است که دارد زیر پوشش دولت عراق مستقیماً با ما می‌جنگد. وسعت حمله عراق، به دستور آمریکا به ایران، بدان جهت است که وضع

### در جلسه علنی دیروز مجلس:

● نیروهای عراقی پیشتر اولان ارتش آمریکا هستند

● امریکایز پوشش عراق مستقیماً با مامی جنگد

● حمله صدام حسین به ایران مستقیماً به نفع امریکادور خدمت

اسرائیل است

● ضد انقلاب با ایجاد صف‌های مختلف قصد سوء استفاده از

شرایط را دارد

● دنیا باید بداند که امریکای جنایتکار چه کرده است

● عراقی باید به ایران غرامت جنگی بدهد

● امریکانمی تواند تعهد بدهد که کاری نکند، زیر اماهیتش

تجاوز گری و خونخواری است



### مجلس

«آمریکا طبل میان تنی است و هیچ غلطی نمیتواند بکند.»

وی افزود: «من عیقا اعتقاد دارم که این مجلس، ضد امریکائی است و ضد اجنبی، ضد بیگانه است، ضد امریالیسم است. بنابراین من معتقدم این مجلس، شعار مرگ بر آمریکا جزو ماهیتش و اعتقادش است. به این جهت پیشنهاد میکنم همینطوری که مامی گوئی الله اکبر، چنین رهبر، به معنای اینکه رهبری را در سطح جهان برای مستضعفین تجسم عینی میدهم، در دستور هم آمریکا را، که به تیسیر امام و خود برادران، دشمن اصلی همه خلقتا ذکر شده، اینرا هم تجسم عینی میدهم و مرگ بر آمریکا هم گفته بشود. اما موضوعی که در مورد گروگنها مطرح است. اولین نکته اینست که تا حالا حتما دوستان و برادران و خواهرانی که در رابطه با تحلیل‌های جامعه ایران بودند، اطلاع دارند که معمولاً تحلیل‌هایی که می‌شد این بود که رهبری انقلاب اسلامی ایران ظرفیت و توان مبارزه ضد امپریالیسم را ندارد و این توان را ندارد نه مبارزه علیه آمریکا و امریالیسم را بطور عام ادامه دهد. بعد این تحلیل نفر شد یک عده ایشان به این نتیجه رسیدند که ما تا حالا اشتباه می‌کردیم. امام می‌تواند ضد امپریالیسم بماند و ما دیدیم که امام چطور این مبارزه را تا حالا رهبری کردند. نکته حساسی که می‌خواهم تأکید کنم اینست که بعد از ریتام، بیشتر از ریتام، ایران و انقلاب اسلامی ایران حیثیت آمریکا را به خطر انداخته است. حیثیت فدائیتش را، یعنی چهره منافق گونه آمریکا را به جهانیان نشان داده است. ناطق افزود: «من سبباً جاسوسها را یک مسئله از دل جریان تاریخ می‌بینم. یعنی من امروز اینجوری می‌بینم که ابراهیم در برابر آتش قرار گرفته، در برابر نمرود است، من امروز موسی را در برابر فرعون می‌بینم و عیسی را در برابر امپراطوری روم قسطنطنیه و امروز من بیسمر اکرم را در برابر اشراف مکه می‌بینم... و الا من دقیقاً معتقدم این فرزند موحیدین تاریخ است، یعنی امام عیسی است.»

سخنرانی بدی، نماینده همدان، در این جلسه گفت: «نیروهای عراق پیشتر اولان ارتش آمریکا هستند که تمایز ارضی ما را مورد تهدید قرار داده اند، کسانی که در داخل به تفرقه افکنی مشغول هستند، جرمشان کمتر از تجاوزین عراقی نیست.»

محمودی، نماینده همدان، نیز در سخنان خود، ضمن اشاره به روحیه قوی نیروهای ایرانی که با تجاوزین عراقی می‌جنگند، گفت:

«مرزداران ما می‌گویند: عراق مزدور آمریکاست و چون از انقلاب اسلامی ایران و رهبری امام عیسی وحشت دارد، با تمام کشورهای رنجبر و وابسته منطقه توافق کرده و به ما تجاوز می‌کند. ولی مطمئناً هرگز نخواهد توانست کاری بکند.»

**حجت الاسلام خلغالی** نماینده مردم قم نیز در سخنان خود ضمن اشاره به تجاوز نیروهای بشی عراق به خاک ایران گفت:

«دولت پوشالی عراق، صدام حسین توکر خائن و خود فروخته با یک حرکت ناخردانه و تقریباً بیجهت می‌خواهد قدرتی نشان بدهد. ولی سپاه ما و ارتش ما، زاندارمری ما و بسیج ما آماده اند که دشمن را در خانه خود، در بغدادش و در موصل و در کرکوکش بکوبند و به آنها درس بدهند تا عبرت تجاوز کاران آینده منطقه باشند.»

وی افزود: «این جنگی که دولت عراق علیه ملت‌های مسلمان ایران و عراق شروع کرده، استفاده مستقیم آن به دولت پوشالی اسرائیل میرسد، که با فرسوده کردن ارتش عراق، راه نفوذ و گسترش خود را در جنوب لبنان و کشورهای عربی می‌گشاید. ولی ما همان‌طور که به صدام حسین نشان خواهیم داد، به خود کاسکمان اسرائیل و سردمداران ترویس نشان خواهیم داد که نمیتوانند ارتش ما را با فرسایش ازین بیرون ببرند و در منطقه برای مدت طولانی نفس راحت بکشند.»

وی در قسمتی دیگر از سخنانش به مبارزات مردم عراق علیه رژیم بشی این کشور اشاره کرد و از جمله گفت:

«ما پشتیبان همه گروه‌های رزنده در عراق هستیم و با همه امکانات آنها را کمک و یاری می‌کنیم.»

سخنران بدی، لطیف صفری نیز ضمن برشماری نکاتی از تجاوز عراق به جمهوری اسلامی ایران، به مبارزات مردم عراق اشاره کرد و گفت:

«حکومت عراق روزهای آخرش را می‌گذراند و در خرابی‌هایی که می‌رسد، مردم عراق از ظلم و جور و نامصلحانی این توکران امریالیسم به ستوه آمده اند. آنکه طرح دو فروزی در مورد حذف مالیات حقوق ارتبیبان مطرح شد. درباره «دوفوریتی» بودن این طرح، دوتن از نمایندگان به موافقت و مخالفت سخن گفتند و سپس مطابق نتیجه رای گیری، قید «دوفوریتی» این طرح به تصویب رسید.»

سپس پیشنهاد گروهی از نمایندگان که خواستار حضور دانشجویان مسلمان بیرون خط امام در جلسات علنی مجلس، به منظور دقتیتر بودن انتخاب اعضای کمیسیون ویژه، شده بودند، قرائت شد. این پیشنهاد پس از رای گیری، رد شد.

آنکه بحث پیرامون کلیات مسئله جاسوسان امریکائی، که از جلسه قبل آغاز شده بود، ادامه پیدا کرد. پروشی، نماینده اصفهان، اولین ناطق، در این مورد گفت:

«من سخن را بایک جمله از سفیر کره شروع میکنم: «اگر آمریکا دست گلی به تو هدیه کرد، مواظب باشی که با احتمال زیاد در دین آن بعضی کار گذاشته است.»

وی سپس جمله خط‌سختن من روشن شونده. وی سپس دلایل کسانی را که خواهان آن که مجازات جاسوسان امریکائی هستند، برشمرد.

سخنران بدی، محمد محمدی، نماینده گرگان، گفت:

«در این مجلس، نماینده امریکائی که می‌خواهد با ما مبارزه کند، باید بداند که ما هرگز آتش‌بس نمی‌دهیم و ارتش نیرومند و سپاه پاسداران ما و نیروی بسیج مستضعفین آماده شرکت در این نبرد هستند، تنها قدرتمندترین ضربه را بر عراق تجاوز وارد کنند. ضمناً آقای کورتوالدهایم باید یک یادداشتی هم به دولت آمریکا بدهد، چون این آمریکا است که دارد زیر پوشش دولت عراق مستقیماً با ما می‌جنگد. وسعت حمله عراق، به دستور آمریکا به ایران، بدان جهت است که وضع

در تمام محلات باید پایگاه‌های ضد هوایی ساخته

اربابی بوجود آورد و ما را در آن جو مجبور کند که به نفع او درباره گروگنها تصمیم بگیریم.»

وی آنگاه پیشنهاد کرد که مجلس بررسی وضع گروگنها را مسکوت بگذارد تا آمریکا بداند که مجلس شورای اسلامی هیچگاه تحت تاثیر ارباب قرار نمی‌گیرد. در اینجاست که از نمایندگان به مسکوت گذاشتن وضع گروگنها اعتراض کردند، که مجازی توضیح داد:

«مسئله مسکوت گذاشتن به عنوان حل کردن بود، نه به عنوان اینکه محاکمه نتواند. ما باید جاسوسان امریکائی را به عنوان خود دولت تجاوز امریکائی مسکوت محاکمه قرار بدهیم، تا دنیا بداند که آمریکا چه کرده است. آمریکا دولت جنایتکاری است که طی ۳۰ سال ۲۱۵ کودتا در دنیا راه انداخته است، پس ما باید دنیا را به جنایات آمریکا آگاه کنیم.»

وی افزود: «سخنی هم داریم با دنیا. چرا دنیا ساکت نشسته است که به یک کشور این چنین حمله شود؟ ملتی که قیام کرد و هزاران محرومیت و درد را در از استثمار غرب طی ۴۰۰ سال تحمل شده و اکنون برخاسته است، چرا باید مورد تهاجم قرار گیرد و سازمان ملل سخن نکوید و جلسه شورای امنیت تشکیل نشود؟»

حجتی گرهائی نماینده دیگر مجلس ضمن سخنانی از جمله اظهار داشت:

«تمام نمایندگان ملت در مجلس حاضرند و مرز بروند و با ضد انقلاب بجنگند. ضد انقلاب مطمئن باشند که شکست با اوست.»

خانم اعظم طالقانی سخنران بدی، از جمله گفت:

«بیشتر کسانی که از عراق به ما پنهانده شده اند، می‌گویند عراق بیشتر اطلاعات را از رادیو و تلویزیون ما می‌گیرد.»

وی افزود: «من نسبت به ارتش یک احساس بدینی داشتم، ولی در غرب دیدم که آنها با شور و شوق و با اعتقاد و ایمان، که فکر نمی‌کردم در وجودشان باشد، آماده مبارزه بودند.»

در اینجا و پیشتر آنکه سخنران بدی صحبت کند، اعلام شد که سه میگ دیگر عراقی در زقزل افتاده است. آنکه تلگراسی که عده‌ای از نمایندگان خطاب به رهبر انقلاب، امام عیسی، تهیه کرده بودند، قرائت شد. در این تلگرام ضمن تبریک به مناسبت مبارزه دلیرانه ارتش جمهوری اسلامی ایران و سپاه پاسداران و سایر نیروهای انتظامی، از امام عیسی، به عنوان فرمانده کل قوا تشکر به عمل آمده است.

**موسوی بجنوردی**، نماینده تهران، سخنران بدی بود. وی از جمله گفت:

«ملت قهرمان ایران میدانند که ما وقتی تصمیم گرفتیم نظام شاهنشاهی را ویران کنیم و بساط آنان را برچینیم، با امریالیسم، بویژه امریالیسم آمریکا درگیر خواهیم شد. این درگیری مراحلی داشته است. من امروز از این مرحله تازه، که آغاز مبارزات مسلحانه ما علیه امریالیسم است، صحبت می‌کنم. امروز آمریکا بضوان گارد محافظ امریالیسم غرب، پیشتر اولان خود را برای آزمودن جنگی ما بسیج کرده است، با آن نیروهای مزدور صدام حسین. بنابراین بر ماست که آنچنان بجنگیم که با آمریکا طرف هستیم. و این جنگ را مرحله نخستین آن بدانیم که خود را آماده کنیم برای جنگهای بزرگتر، وسیعتر و طولانی‌تر.»

وی افزود: «لازمست بگویم که امریالیسم فسرپ همیشه برای برهم زدن وحدت ملت‌های به ضعف کشیده شده، استخوان‌های لای زخم می‌گذارد. عناصری و گروه‌های و گروگنها همی که عامل تفرقه هستند، حتی اگر چه با شمارهای فریبنده چپ‌گرا - و حزب بمت عراق - از آن دست است در برابر حرکت ضد امپریالیستی ناصر، حزب بمت عراق بوجود آمد و مخصوصاً خانواده انگلیسی صفت کرسی، که سابقه تاریخی در نوکری انگلیس دارند، این خانواده کثیف رهبری این حزب را صرفاً برای ایسجاد مرقه بین برادران مسلمان برعهده گرفت و امروز ازین جدیدی برای خود گزیده است، که آن آمریکاست.»

وی سپس تأکید کرد که همیشه پیوند استراتژیک بین آمریکا و انگلیس وجود داشته است.

**موسوی بجنوردی** آنگاه پیشنهاد کرد که برای تقویت بسیج مستضعفین، هر چه زودتر بودجه آن در حد معمول تصویب گردد و سازماندهی جدیدی شود. او افزود: «در تمام محلات باید پایگاه‌های ضد هوایی ساخته

شده و در تمام محلات باید پایگاه‌های ضد هوایی ساخته

شده و در تمام محلات باید پایگاه‌های ضد هوایی ساخته



### بارگاه کارنامه شورای انقلاب:

# صحت نظریات حزب توده ایران درباره ترکیب طبقاتی شورای انقلاب و دولت موقت ثابت شد

با پایان رسمی کار شورای انقلاب و ارائه کارنامه این شورا، کمپین از پیروزی انقلاب تشکیل و با استقرار دولت آقای رجایی به کار خود پایان داد. یک بار دیگر صحت نظریات حزب توده ایران اثبات شد.

سخنان حجت الاسلام دکتر باهنر، که از آغاز تشکیل شورای انقلاب تا آخرین روز در آن عضویت داشت، نشان داد که حزب توده ایران از همان آغاز پیروزی انقلاب، ماهیت طبقاتی دولت موقت و شورای انقلاب را به درستی تشخیص داده بود.

اکنون کمپین از روی دادهای پشت پرده ماههای اخیر قبل از پیروزی انقلاب غارروسی شده روشن گردیده است که وقتی حضور توده‌های میلیونی در میدان نبرد با رژیم شاه امریکاتریدنی باقی نگذاشت که، عمر رژیم شاهنشاهی در ایران به پایان رسیده است، تلاش برای تصرف ماشین دولتی رژیم گذشته به همان شکل آغاز شد.

پیروزی شورای انقلاب، که تا چند ماه پیش از انقلاب در اعلامیه‌های رسمی خود خواهان حفظ "شروطه سلطنتی" بود، با امریکایی‌ها برای تصرف ماشین دولتی بمقامه توافق رسید. این واقعیت را سولویان، سفیر سابق امریکا در ایران اخیراً "اعتراف کرده است."

از سوی دیگر شورای انقلاب، که موافق گفته حجت الاسلام دکتر باهنر، از روحانی تشکیل شده بود و مستقیماً زیر نظر امام خمینی فعالیت می‌کرد و در مجموع نماینده دموکراسی انقلابی بود، با اعلام تشکیل این شورا توسط امام خمینی، به عنوان یک ارگان رسمی برخاسته از انقلاب به کار پرداخت.

بعد از بازگشت امام خمینی به وطن، از آنجا که روحانیون انقلابی سابقه‌ای در اداره امور کشور نداشتند و تشکیل دولت جدید ضرورت عوری داشت، مهندس بازرگان به نخست‌وزیری منصوب شد. امام خمینی با حسن نیت انقلابی، تمام دولت را به کسی سپردند که هر چند سابقه مبارزه با رژیم گذشته

را داشت و مسلمان معتقدی بود، ولی از پایگاه سازشکارانه و تسلیم طلبانه پیروزی لیبرال حرکت می‌کرد.

بعد از تشکیل دولت مهندس بازرگان، که در مجموع نماینده پیروزی لیبرال بود و جاسوسان امریکایی هم، از قیل امیران نظام، در آن خود را جای داده بودند، ژنرال هومیزر که می‌پنداشت با تشکیل این دولت خطری امریکایی را تهدید نمی‌کند، از ایران رفت. انقلاب شکوهمند بهمن، به معنای حفظ ارتش به شکل آرمی مهربی لطمه جدی زد، ولی دولت پیروزی لیبرال موفق شد که از تلاشی دستگاه دولتی سابق جلوگیری کند.

بعد از پیروزی انقلاب، اکثریت شورای انقلاب موافق گفته حجت الاسلام باهنر از روحانی تشکیل می‌شد که در مجموع نماینده دموکراسی انقلابی بود و در کل در خط امام خمینی حرکت می‌کرد. جناح دیگر شورای انقلاب را لیبرال‌ها تشکیل می‌دادند. همه این‌ها که با هم شریکیم و امروز روشن شده است، تا یکی دو ماه اخیر به هیچ‌روی روشن نبود، تا چه رسد به معنی‌های اول بعد از پیروزی انقلاب.

### افشای پیروزی لیبرال

در حالی که چپ‌ها با جنجال هیئت‌ها که را یک پارچه می‌دانستند و علیه آن توطئه را آغاز می‌کردند، برخی از مدعیان دواآتسه "مارکسیسم-لنینیسم خلاق" (سازمان چپ‌های فدایی آرزور) بعد نبال پیروزی لیبرال رفتند، برای کسب زنده و حواس‌تار جمع قدرت در دست لیبرال‌ها شدند.

حزب توده ایران با تحلیل و شناخت عمیق سیاسی که هر یک از جناح‌های اعلام و در پیاده کردن آن اصرار می‌کردند، از همان اولین شماره علنی

روزنامه مردم، به روشنی تمام به افشای سیاست پیروزی لیبرال و دفاع از مواضع مترقی شورای انقلاب نسبت به دولت موقت پرداخت. روزنامه مردم در اولین شماره علنی، خود در ایران ۲۸ خرداد ۱۳۵۷ - در مقاله مفصلی تحت عنوان "مسائل انقلاب ایران - نظری بی‌بیمای آقای مهندس بازرگان"، مسئله بر سر تفاوت عظیمی است که میان آقای مهندس بازرگان و توده مردم ایران بر سر درک ماهیت و وظائف دولت موقت انقلابی وجود دارد.

مقاله سپس به قدرت دوگانه اشاره کرده، می‌نویسد: "در محتوی و نه در شکل، حق به جانب آیت‌الله خمینی است و نه مهندس بازرگان". مقاله آنگاه به افشای زاویه دید طبقاتی مهندس بازرگان می‌پردازد.

در شماره پنجم مردم - ۲۲ فروردین ۱۳۵۸ - افشای ادامه می‌یابد: "اندیشه اصلی پیام رادیویی نخست‌وزیر، که مانند خط سرخی از خلال تمام بیانات طولانی او می‌گذشت، این بود که بقایای رژیم سابق را نباید کوبید".

در این روزها، دیگر تفاوت دو سیاست آتکار و آتکار ترمی شد. دولت پیروزی لیبرال، تمام قدرت حاکم را طلب می‌کرد و در حالی که زیر بمبارک "آزادی" سنگر گرفته بود، حفظ ماشین دولتی رژیم گذشته، بازگرداندن سرمایه‌داران و آتتی با امریکایی‌ها را تبلیغ نمود. همه مدعیان دواآتسه "مارکسیسم-لنینیسم خلاق" در این روزها زیر بمبارک "آزادی" بودند و تعطیل روزنامه‌های ضد انقلابی را به راه می‌بردند.

در آن شرایط، با هم حزب توده ایران بود که با صراحت تمام به میدان آمد و برای اولین بار اختلاف دو خطی در حاکمیت ایران را در مقاله‌ای با عنوان "لیبرالیسم و دموکراسی در مرحله کنونی انقلاب ایران" ارزیابی و تحلیل کرد. حزب توده ایران در میان جنجال گوشه‌گراش ماشو-شیست‌ها، چپ‌ها و چپ‌روها اعلام داشت که، از دموکراسی انقلابی دفاع می‌کند.

خوانندگان را به مقاله یاد شده و همچنین سرمقاله تحت عنوان "جبهه‌ها آتکار ترمی شود"، در روز ۱۷ خرداد ۱۳۵۸، رجوع می‌دهیم. از این پس آن چه در افق سیاست ایران گذشت، صحت نظریات حزب توده ایران را هر روز بیشتر از پیش ثابت کرد.

حجت الاسلام باهنر در سخنان خود نیز به طور رسمی اعلام کرد که، شورای انقلاب و دولت موقت در همه زمینه‌های اساسی، از جمله نوسازی ماشین دولتی، سیاست خارجی، نهادهای انقلابی و... با یکدیگر اختلاف نظر داشتند. دویچه در شورای انقلاب اکنون به جرئت می‌توان گفت که پیروزی

لیبرال وقتی دید در مقابل انقلاب قادر به مقاومت نیست و دولت تاجار با استعفاست، کوشید که موقعت خود را در شورای انقلاب مستحکم کند. بهمن خاطر - موافق گفته حجت الاسلام باهنر - مهندس بازرگان به پیشنهاد اقدام دولت و شش‌سوی شورای انقلاب را کرده به این ترتیب نمر اردولت، از جمله خود مهندس بازرگان، به شورای انقلاب اضافه شدند و در نتیجه پیروزی لیبرال در شورای انقلاب موقعت مستحکم تری نسبت به گذشته به دست آورد.

سرانجام انتقال لانه جاسوسی، که به گفته حجت الاسلام باهنر، "مقاومتی در مقابل سیاست‌های خارجی دولت موقت" بود، سبب شد که دولت پیروزی لیبرال استعفا کند.

بعد از استعفا دولت موقت و سپردن ادارات امور به شورای انقلاب، پیروزی لیبرال در این شورا به تلاش خود برای ترمز کردن انقلاب ادامه داد. بررسی کارنامه شورای انقلاب نشان می‌دهد که، اکثریت مطلق موضع گیری‌ها و سیاست‌های مترقی شورای انقلاب، به در زمینه داخلی و چه در سیاست خارجی، بهیشت از اقدام شورا با دولت موقت اتخاذ شده است، هر چند که بعد از این هم، به منسبت قدرت نمایندگان دموکراسی انقلابی در شورای انقلاب، این شورا موفق به مهندماتی به انقلاب ایران شده است.

تا این ذکر است که حزب توده ایران در همه پشتیبانی از جناح دموکراسی انقلابی در شورای انقلاب و تأیید تصمیمات انقلابی شورای انقلاب، به محتاج دموکراسی انقلابی (اکثریت) در شورای انقلاب نیز برخوردار انتقادی داشت. انتقاد حزب توده ایران به منسبت انقلابی (اکثریت) در شورای انقلاب این بود و هست که، اولاً سیاست‌های سازشکارانه و تسلیم طلبانه حجت الاسلام باهنر را به مردم ایران فاش نکرد. ثانیاً در برابر سیاست‌های سازشکارانه و تسلیم طلبانه جناح لیبرال به موقع و به طور قاطع نایستاد. ثالثاً در مواردی تحت فشار این جناح و تحت تاثیر این جناح به اتخاذ مواضع نادرست و تصمیمات نادرست تن نداد.

اگر این نقائص و ناپیگیری‌ها و کمبودها در سیاست و روش جناح دموکراسی انقلابی (اکثریت) در شورای انقلاب وجود نمی‌داشت، و به منسبت دیگر ارگانات و اصانات و اتحاد در برابر جناح لیبرال انجام نمی‌گرفت، به منسبت و لطافت متکین و گاه جبران ناپذیری که بر اثر سیاست‌های سازشکارانه و تسلیم طلبانه لیبرال‌ها بر انقلاب ایران وارد آمد، با اصلاً نبود، با کم بود.

در این بررسی، آن چه که به عنوان درسی از تجربه شورای انقلاب برای انقلاب باقی می‌ماند اینست که در دفاع از دستاوردهای انقلاب، در مبارزه برای تثبیت، تحکیم و گسترش انقلاب، می‌باید تا به آخر انقلاب بود. حزب توده ایران خرشد است که در ارزیابی انتقادی و سازنده خود از سیاست‌ها و تصمیمات شورای انقلاب و دولت موقت محق بوده است.

## واژه آزادی، در دست لیبرالها افزاری است برای بازگشت گذشته بهترین راه مبارزه با لیبرالیسم، اجراء پی گیر قانون اساسی جمهوری اسلامی از جمله در زمینه آزادیهای سیاسی و اجتماعی است

امیران نظام دیده‌ایم و سنجیده‌ایم. لیبرال‌ها و آن نسخه بدل‌های تازه‌ای که از آنها میدان آمده، در سیاست داخلی جا ده کوب اوپسی، مدافع سرما به داری، تکلیف گاه ضد کمونیسم و در سیاست خارجی دستار مصلحت صدیق امپریالیسم هستند. ما حکم در باره افراد نمی‌کنیم. عناصر و ولی قریب خورده در همه جا وجود دارند. ولی این مطلب، منظره و خصیصه اجتماع می‌یک گروه و رده سیاسی را عوض نمی‌کند.

اساس، ممیزات و مشخصات عمده سیاسی - اجتماعی لیبرال‌هاست و این بهمان نحو است که گفته شد. این مرد در تاریخ معاصر ایران از زنده نوزدهم شروع می‌شود و جلوه‌های مکرر در مکرر داشته است.

بهترین شیوه مبارزه با لیبرال‌ها، بویژه از طرف نیروهای بی‌گناهی که قدرت خاکه را اکنون در دست دارند، آنست که به آنها بهانه ندهند. اگر قرا را شاهر چندی بکار اخص متفرقه "آزادی" آزاد باشند، به پهنای یک کشور بزرگ ۳۶ میلیونی مانند ایران، همه جا مراکز حزب، سازمان‌ها و گروه‌های سیاسی و جرایم و کتا بخا نه‌ها و کپیو کتای آنها را، با خشونت اشغال کنند، غارت کنند، به آتش بکشند، آتیا این آب ریختن در آسباب لیبرال‌ها نیست؟ چه تضمینی وجود دارد که این "اشخاص متفرقه" بدستورند انقلاب برای موقعت توطئه قدا انقلاب زمینه سازی نمی‌کنند؟

با پیدا رعایت اکید و دقیق اصول قانون اساسی در باره آزادیهای سیاسی و اجتماعی و ایجاد وضع تثبیت شده‌ای از این سیاست، با ب رخنه لیبرالیسم و وطنی و سوسال - دموکراسی وارداتی را بست و در این امر غفلت و تردید و تاخیر را جایز نشمرد. اگر جمهوری اسلامی در اجراء استقلال، عدالت اجتماعی، آزادیهای سیاسی و اجتماعی پیگیر باشد، میتواند لیبرالیسم را در کالبدهای مختلف آن به تکمیل معنوی محکوم سازد. میتوان نظام محکمی بوجود آورد و دفاع خود را در مقابل خدا انقلاب تحکیم بخشد، و سرانجام میتواند ندهشتیانی مردم و نیروهای انقلابی را برای امر سازندگی بیش از پیش جلب کند.

**تأمین کار برای کارگران  
بیکار، یکی از نخستین وظایف  
دولت انقلاب است**

رضای گذشته است، تحت هزار روم هزار دیگر، هر تعداد که لازم باشد، اما فقه خواهد کرد. هر کس منظره را جز این ببیند دچار پندار و فریب و جششگی است.

آن اعزاب و گروه‌های سیاسی، که هر روز فریب یکی از این لیبرال‌ها را می‌خورند (متین دفتری، مراغای، نزیبه و بسیاری کنونی و نسخه بدل‌های افشا نشده آنها) با پیدا زهم اکنون بخود آید و بداند آنچه می‌کنند.

ما با هر گونه محدودیت آزادی، که بهیشت خلاف نص قانون اساسی جمهوری اسلامی باشد، بشدت مخالفیم. ما مخالف انحصار گرای و استبداد هستیم و معتقدیم که در قانون اساسی جمهوری اسلامی مسائل در - تناسب منطقی آن ذکر شده و اگر مصیبتانه مراعات شود، تشنجی پیش نمی‌آید.

ولی اعتراض به نقض قانون اساسی از سوی کسانی و مبارزه برای اجراء آن (یعنی عملی که خود امام خمینی نیز در دست در همین جاده گام بر میدارد) جزو است، و افتادن در دام لیبرال‌ها چیز دیگری لیبرال‌ها نه فقط - دانسته یا ندانسته - پوششی برای فاشیت‌های اوپسی وار - هستند، بلکه خودشان، لاقلا از جهت آتتی کمونیسم، دست‌کمی از آنها ندارند. مثلاً آنها با رها کینه بی‌پایان خود را نسبت به حزب ما اعلام داشته اند و طی ده سال، بجای تا به و خانوادها، پهلوی وزا هدی‌ها و امر - یا لیستهای امریکایی و انگلیسی، حزب ما را "خائن" به معنی معرفی کرده و این تمسیر بیست و دیگر را نه را در آردان خالی با مستدرخنده داده اند. آنها پیش از آنکه

پای ما وارد صحنه جا همه کنونی پس از انقلاب شود، چپ و راست از اعتبار رومعت قانون ضد توده‌ای محبوب ارگانه‌های فاشیستی پهلوی دم زدند. برای ما روشن است که این آقایان لیبرال‌ها تا چه اندازه آزادی - خواه هستند! نمونه‌های قدیمی آنها مانند دکتر بقای و نمونه‌های جدید آنها رامانند

این نقش فرشی را بازی میکنند. سراب آزادی درست میکنند، تا جا ده استبداد کوفته شود.

در خارج از کشور، تا بیور بختیار، که از سلاله کهن چاکران امپریالیسم است، از "سوسال دموکراسی" دم می‌زنند. ولی شخص با بدنا مینا با شد و در پس این چهره‌ها، قیافه کریه اوپسی و پالیزبان و امثال آنها را شینند.

رفران دوم اخیر فاشیت‌ها در شیلی، کودتای اخیر نظامیان در ترکیه، حکومت فاشیستی نظامی ضیا الحق در پاکستان، همه و همه روایتگر آنست که در پیشست دکوراسیون حق به جانب لیبرال‌های ما، که بصورت پیرو مردان دیندار بی‌آزار و پسا جوانان کارشناسی متجدد جلوه میکنند، چه واقعیت و جششگی نهفته است: امپریالیسم برای کشورها بی‌مانند کشورها فقط یک رژیم را کار و شمر بخت میداند و آنهم رژیم دیکتاتوری خونین نظامی است. یکی از دلایل "شکرتاب" میان بختیار و اوپسی گویا همین است که اوپسی لاقلا برای دوسال اول (!) به یک حکومت خشن نظامی، که زمینه را برای کار هموار کند، معتقد است، تا بعد "سوسال دموکراسی" (!) بیاید. البته اینهم یک جنگ زرگری بیش نیست تا برای همه قدا انقلابیون غذای "معنوی" مناسی روی میز باشد.

ولی اگر توطئه خدا انقلابی موقش شود با اصلاح سوسال دموکراسی و حکومت پارلمانی و دموکراسی هرگز سرکار نخواهد آمد. خود بختیار هم آتراً تمیخواهد. لیبرال‌های ما هم مانند دوران محمدرضا شاه، در موق خود، سکوت خواهند کرد و دنبال کسب و کار خواهند رفت. اگر خیلی دلخور باشند، می‌روند در خارج و در آنجا یکی دو مقاله‌ای در جراید محترم لیبرالی مانند "لوموند" خواهند نگاشت و شکوه سرخواهند کرد و سپس بدنبال کسب و کار خواهند رفت. و در اینجا اوپسی جلاد، به شمت هزاری که می‌د

یکی از واژه‌هایی که طی تاریخ بارها مورد سو استفاده قرار گرفته است، واژه "آزادی" است. این واژه مرکزی و محسوری امپریالیسم، علیه سوسیالیسم است. تمام رساله‌های گروهی امپریالیستی (که عرض و طوطی عجیب و غریب دارند و اکثراً تحت نظارت مهبونیت‌ها هستند) در همسرایی جهانی خودنغمه "آزادی" سوا داده اند. یعنی آزادی برای ما و گویای‌های مختلف بخاطر حفظ آزادی برای بهره‌کشی و آزادی استعمار! لیبرال‌های وطنی نیز به این واژه پناه برده اند. آنها گویا علیه "انحصار گرای" و "فالانزیسم آخوندی" و بخاطر "آزادی" مبارزه میکنند. در داخل کشور یکی چنین دعوی میکنند و در دیوهای آتربیلی (که برای بختیار و اوپسی تبلیغ میکنند) نیز چنین می‌گویند. و اما جقدر شخ باید نادان باشد، تا با این لالی‌های مضحک گوشتی، فرادهد و نیت باطنی و پنهانی آنها، که چندان پنهان هم نیست، درک نکند.

اینکه آیا کسی در چارچوب جمهوری اسلامی ایران هستند که نسبت به آزادیهای سیاسی و اجتماعی (که در قانون اساسی جمهوری اسلامی تصریح شده) آزادی ندارند و معتقد به حکومت انحصاری خود هستند، خود مطلب دیگری است. ولی وجود این واقعیت، اطلاق ابدا بمعنای صحت و یا صداقت دعوی لیبرال‌ها در تهران و "سوسال دموکراتهای" بختیار و گرا در خارج از ایران نیست.

تجربه شیلی نشان داد که یکسری از حربه‌های امپریالیسم برای سرکوب انقلاب شیلی و سرنگون ساختن حکومت آلینده، استفاده از حزب دموکرات مسیسی آقای فرهشی و خرابکارهای او علیه حکومت آلینده بنام "آزادی" از سوی و نیز استفاده از گروه‌های ما و راه چپ (که از سازشکاری و فرصت طلبی و "عدم قاطعیت" رژیم آلینده در نبرد علیه سرمایه داری می‌نالندند!) از سوی دیگر بود.

فرهشی به مردم وعده میداد که باید از دیکتاتوری ما رکنیستها "به رژیم آزادیهای پارلمانی با رگشت، ولی در پشت سر اینان قیافه کریه بی‌پنوسه فاشیست پنهان بود.

فرهشی بنام "آزادی" مردم را بدم کشید و تحویل بی‌پنوسه داد و هنوز هم در خارج از شیلی از آزادی دم می‌زند! حال لیبرال‌های خود ما که همه نوع خیرات و مبررات (از بدنداری گرفته تا ملی‌گرای و آزادیخواهی) را در نشان خود دارند،



### رانندگان تاکسی خرم آباد: تعویض رنگ تاکسی درمان درد ما نیست!



ناصر: ما نمی‌توانیم، نه بازنشستی و نه کار ثابت و درآمد مشخص

مشکل تاکسیرانی یکی از مسائل عمده‌ای است که در شهر خرم آباد وجود دارد. این شهر، حدود ۲۰۰ تاکسی دارد، که با توجه به جمعیت شهر، قادر به تأمین نیاز زحمت و آمدن در سطح شهر نیست. بدلیل کمبود تاکسی و با توجه به وجود تعداد دریا بیکاران در سطح شهر، حدود ۱۰۰ وسیله نقلیه دیگر هم وجود دارد، که با بلاک سفید به کار می‌فرستند. در میان آنها سوارهایی که به رنگ تاکسی (آبی رنگ) درآمده‌اند، برای رانندگان تاکسی ایجاد مشکل می‌کنند، زیرا مردم، بدون توجه به غیر مجاز بودن آنها، سوار این ماشینها می‌شوند و اگر مسئله‌ای مانند شکم شدن وسایل یا مسائل اخلاقی پیش بیاید، به حساب تاکسیرانان گذاشته می‌شود. در ارتباط با این مسئله مشکلات دیگر رانندگان تاکسی، با چند تن از آنان به گفتگو می‌نشینیم:

محمد می‌گوید:

"این تاکسی را ماهی ۴۰۰۰ تومان اجاره کرده‌ام. خرج تعمیر و خرید وسایل بدکی هم به عهده خودم است. با اینکه حدود ۱۰ سال است که راننده هستم، هنوز نتوانسته‌ام یک تاکسی بخرم، زیرا با درد آمدی که من دارم و با این خرج زیاد، چیزی برای پس انداز کردن نمی‌ماند".

راجع به تغییر رنگ تاکسی‌ها می‌پرسم:

چون تعدادی سوار "بلاک سفید" به رنگ تاکسی در شهر ما فرستاده می‌کنند، اداره راهنمایی و رانندگی در جلایاتی به رانندگان پیشنهاد تغییر رنگ تاکسیها را برای جادادن از این اتوموبیلها داد که عده زیادی با این پیشنهاد مخالفت کردند و عده‌ای هم موافقت حالانی دانم چطور شد که این مسئله مورد قبول واقع شد، قرار شد که رنگ تاکسیها به رنگ نارنجی درآید و به ما اعلام شده است که تاکسیها را رنگ بزنیم. ولی به نظر من تعویض رنگ تاکسی درمان درد ما نیست،

چرا که سال گذشته هم به خاطر همین مسئله سقف تاکسی‌ها را سفید کردیم، ولی مشکل حل نشد. تازه شایع است که بعضی با این خرج و درآمدها باید مبلغی هم خرج تعویض رنگ تاکسی بکنم و می‌دانم که با مشکل حل نخواهد شد. ما باید با هم اتحاد داشته باشیم، تا بتوانیم با یک مقدار کار بیشتر، مردم را راضی کنیم. آنها نیازی به استفاده از این سوارها نداشته باشند".

یکی دیگر از رانندگان تاکسی می‌گوید:

"آقا کارگر نمی‌آید، بگذار آنها هم کار میکنند، ما که کار خودمان را داریم و نمی‌خواهیم باعث قطع نان دیگران بشویم. بهتر است به جای اینکه ما هر روز رنگ عوض کنیم به آنها هم بلاک فرستاده‌اند، تا هم حمل و نقل مسافران در شهر بهتر صورت گیرد و هم کار آنها غیر مجاز نباشد".

ناصر، با بدنی عرق کرده و خسته از کار، می‌گوید:

"حدود ۴ سال است که راننده تاکسی هستم و همیشه مسائلی از قبیل ترافیک و کمبود وسیله وساریهایی "بلاک سفید" وجود داشته. این مسائل زودگذر هستند مسئله اصلی ما، مخصوصاً رانندگانی که روز مزد هستند، این است که ما سهمیه داریم، نه بازنشستی و نه کار ثابت و درآمد مشخص".

می‌پرسم: آیا تاکنون در جهت رفع این مشکلات قدمی برداشته‌اند؟ می‌گوید:

"سال گذشته چندین گرد همایی با دیگر رانندگان داشتیم و در آن گرد هم‌آیی‌ها راجع به بیمه و سندیکا و ترافیک و همین مشکل مسافرکشی‌های شخصی صحبت‌هایی کردیم و قطعاً ما هم مادر کردیم و با ادارات مربوطه هم تماس گرفتیم، ولی چون اتحاد نداشته‌ایم، نتوانستیم کارها را تا آخر پیش ببریم و کارها نیمه تمام ماند".

یکی از وظایف مسئولین امور، تأمین بیمه و بازنشستی این صنف از زحمتکشان است، تا هر کدام از آنان بیمه‌ای بر توان و مبلغی حدیق به نفع انقلاب باشند.

### اخبار کارگری

#### شرکت صنایع کرمانشاهان را بحال خود رها نکنید

شرکت صنایع کج کرمانشاهان (سها) عامی در سال ۱۳۵۷ با سرمایه مدوهشتاد میلیون ریال جهت تأسیس کارخانه کج در منطقه قمرشیرین شروع به کار کرد. همه ماشین آلات کارخانه از یک شرکت در آلمان فدرال خریداری شده است و برای خرید آنها مبلغ هنگفتی از بانک - اعتبارات صنعتی - که خود یکی از سهامداران شرکت است - وام گرفته شده است. کار ساختن کارخانه، به علت مواجه شدن با انقلاب، تعطیل شد. پس از پیروزی انقلاب در زمان دولت نوقی، این شرکت ملی شد. در اردیبهشت ماه ۱۳۵۹ از طرف بانک صنعت و معدن یک نفر به عنوان مدیری شرکت به کارگمارده شد. چون معادن کج قمرشیرین بسیار محدود بود، قرار شد که معادن کج لوستان در نزدیکی بیل دختر و کوه دشت - کارخانه کج احداث شود. شرکت برای بنگار مقداری از زمین‌های زارعین را غصب کرده است. زارعین با رها برای احقاق حقوق خود به مقامات مسئول از جمله به دادگاه انقلاب مراجعه کرده‌اند، ولی تاکنون به کار آنها رسیدگی لازم نشده است. زارعین می‌گویند:

۱- با زمین‌ها را از ما بگیرد و با اینکه بیول آنرا به ما بپردازد، ما را از زمین‌ها محروم می‌کند.

۲- البته حرف آنها کاملاً منطقی است. مقامات مسئول باید در درجه اول دو نکته زیر را مورد توجه قرار دهند:

۱- عملیات پاکسازی باید به طور وسیعی در شرکت انجام شود.

۲- تکلیف زمین‌های غصب شده زارعین بکسره شود.

#### در کارخانه رحیمزاده و شرکا اصفهان

کارخانه رحیمزاده یکی از قدیمی‌ترین و بزرگترین کارخانه‌های ریستدگی اصفهان است. این کارخانه که در دهه چهل گسترش یافته و از داخل شهر به خارج اصفهان - تهران حدود یکصد کیلومتر فاصله منتقل شده است. این تعداد کارگران آن به سه برابر افزایش پیدا کرده است. البته بیکار، بعد از کودتای ۲۸ مرداد، کارگران آن تصفیه شده‌اند و از آن تاریخ تا سال ۵۷، همواره هرگونه حرکت کارگری در این کارخانه سرکوب شده و تقریباً در یک زمان طولانی کارخانه خارج از فعالیت کارگری بوده است. این مسئله و زبان ناشی از آن امروز هم به چشم می‌خورد. بطوریکه در انتخابات شورای عالی قبل، دو نفر از افرادی که در سندیکای فرمایشی نقش درجه اول داشتند، دوباره به مقام شورا رسیدند. زیرا کارگران مبارز جوان کارخانه هنوز نتوانسته‌اند از آنجا محبوسیتی که تا به انتخاب شدن است، برخوردار شوند. یک کارگر سابقاً کارخانه به حق می‌گفت:

"جای سه، چهار نفر کارگر کج و کاری نسوی این کارخانه خالی است. سالهای گذشته هر کس می‌توانست کار انجام دهد، اخراج شد، و حالا جای خالی خالی است. من که تا سالن صبح تا شب سرم توی ماشین است، نمی‌توانم یک پاهم در اداره کار و یک پاهم در دفتر کارخانه و دستم اینجا باشد. باید یک شکلاتی باشد که هر دفعه مراجعه کند، بگوید این کار شد، این کار شد، چه کار کنید، چه کار نکنید، که چنین شکلاتی هم نیست".

گذشته از عوامل خارجی در سرکوب فعالیت کارگران، آنچه که در خود کارخانه نقش درجه اول داشته است، آقای کتابی، یکی از شرکای کارخانه و همچنین مدیر داخلی کارخانه است. کارگران، که کتابی را "آقا" می‌خوانند، از بدادگری‌های این مرد سخن بسیار می‌گویند. کارگری می‌گفت:

"زمان رژیم سابق، وقتی وارد سالن میشد، بیرو جوان می‌ترسیدند، چون کارش هیچ شوخی نداشت با کوچکترین اعتراض کارگر، از کارخانه اخراج میشد، گاهی هم خودش شخصاً کارگر را تنبیه می‌کرد".

یکی دیگر از کارگران می‌گفت:

"اگر به اداره کار هم شکایت می‌کردی، می‌توانست به جرم آشوب در کارخانه علیه‌اش اعلام جرم کند، و آنوقت بالای رفتی و با این می‌آیدی از حرفش برون می‌گشت".

ساری از کارگران در نتیجه کار سنگین بیماری متی گرفته‌اند. یکی از کارگران دیگرش آن بود که

#### بیانیه شورای کارمندان شهرداری

اخیراً بیانیه‌ای از جانب "شورای کارمندان شهرداری تهران" در ارتباط با پاکسازی در شهرداری تهران منتشر شده است. در این بیانیه از جمله آمده است:

... با نوسازی و پاکسازی دستگاه‌های دولتی و از آن جمله ادارات شهرداری تهران به پایان رسیده و دستگاه‌های اداری ما مجری فرامین انقلاب اندیا - ترمزکننده این فرامین، که سخن از پایان پاکسازی می‌شود؟

... واقعتاً آنست که خرابکاری‌های عمومی ضد انقلاب و حاکمان پست میز نشین آن در تمام سطوح، به علت عدم فاطمیت در مراحل حساس پس از انقلاب، دشواری‌ها و مشکلات را چندان نموده، که امروز ما شاهد کشف توطئه‌های رنگارنگ بکلیس از دیگری در دوران همین دستگاه‌های دولتی هستیم. مگر نه اینکه هر روز از نفوذ عناصر ساواک و وابسته ضد انقلاب در ادارات دولتی به بین وجود کارمندان انقلابی و هیئت‌های پاکسازی در حاشیای مقامات اجرائی برده برداشته می‌شود؟

... ما ختم با ادامه نوسازی و پاکسازی اصولی دستگاه‌های اداری و فنی جدید نیروهای انقلاب و ضد انقلاب تسلسلی نموده و اعلام می‌نمایم گسترش و تداوم پاکسازی اصولی دستگاه‌های دولتی، با تحکیم پایه‌های انقلاب ایران پیوند داشته و بر اساس رهنمود امام، همراهی از ریاست جمهوری و مجلس شورای اسلامی و دولت آینده انقلاب می‌خواهیم که ... با تمویب انقلابی‌ا دامه کار رهبت‌های پاکسازی، اجازه ندهند ضد انقلاب مدار و به کار شکنی و خرابکاری خود ادامه دهد. ما در مقام نمایندگان کارمندان شهرداری تهران همچنین از آقای شهردار تهران انتظار داریم در جهت خواست مردم حق کارکنان صادق شهرداری، ادامه پاکسازی را ضرورت روز تشخیص داده و با ادامه پاکسازی و نوسازی شهرداری تهران موافقت و در همین راستا اقدام جدی و قاطع به عمل آورند".

کارگرانی که سر بلعوب می‌شدند، برای فرار از سربازی می‌توانستند در این کارخانه استخدام شوند و در عوض چون جای دیگری استخدامشان نمی‌کردند، حق اعتراض هم نداشتند.

امروز تعداد کارگران این کارخانه به بیش از ۹۰۰ نفر می‌رسد، که در این میان کارگران زیر ۱۸ سال تعداد قابل توجهی از این شمار را تشکیل می‌دهند. بعد از ۲۲ بهمن ۵۷، یکی از نکاتی را که به حق کارگران روی آن انگشت گذاشتند، مسئله ماندن پارتین آقای کتابی بود. دیگر ساواک و زاندار ساری آنجانی وجود نداشت. که کتابی بتواند به کسک آن اعتراض کارگران را خفه کند. این موضوع بار اول به صورت اعتراض شدید کارگران در شب می‌دال ۵۸ برای گرفتن عیدی متعلق شد. که کتابی را مجبور کردند تا عیدی کارگران را بپردازد.

مسئله مدیریت کتابی سرانجام مقارن با دولتی شدن کارخانه شد. کارگران که به حق خواستار دولتی شدن کارخانه بودند، در اواخر سال ۵۸ دست کتابی و بقیه را از کارخانه کوتاه کردند. مدتی نیز کارخانه را شورای کارخانه اداره می‌کرده است. تا آنکه سه هفته پیش مدیریت برای کارخانه انتخاب شده است. در گزارش نماینده اول شورای کارگران آمده است که، مدیریت جدید منتخب از جانب آقای کتابی و استانداری اصفهان است. البته این موضوع باعث نگرانی کارگران است. یکی از آنها می‌گفت:

"فکر می‌کنم، کتابی دارد استراحت می‌کند، که دوباره بازگردد. آنطور که کارگران معتقد بودند، مسئله مالکیت کارخانه هنوز حل نشده است. آنچه خود آنها می‌خواستند، آن بود که دیگر در کارخانه‌ای که کار می‌کنند، روی کتابی و اسالهم را نیندند. از اقداماتی که بعد از انقلاب در کارخانه صورت گرفته است، پناه کردن و مونتاز کردن ۱۳ عدد ماشین رنگ بوده است، که به جز ۴ عدد آن، تمام بوسله خود کارگران انجام گرفته است. پناه کردن این ماشینها می‌تواند روزانه ۶۰۰ بقیه (هر بقیه ۴ کیلو) نخ ۲۰ برون تولید کارخانه با افزایش هم اکنون تولید روزانه کارخانه ۴۰۰۰ بقیه نخ است. همچنین شیر، که از احتیاجات حتمی کارگران ریستدگی است، به دو سالن حلاجی و سالن شماره ۲ هر روز داده می‌شود، که البته صحبت‌تر است که به تمام سالن‌ها داده شود. تا کارگران از خطر بیماری صل نجات یابند.

#### به مشکلات کارگران سیلوی تاکستان رسیدگی کنید

کارگاه سیلوی تاکستان در ۲ کیلومتری جاده تاکستان - همدان قرار دارد. کارگاه متعلق به شرکت آردی، آب است که نسیمی از سهام آن به شرکت‌های انگلیسی و نسیمی دیگر به مهندسان ایرانی تعلق دارد. این شرکت در زمان انقلاب تعطیل بود، ولی بعد از انقلاب مجدداً شروع به کار کرد.

کار این شرکت سیلوسازی است و در شهرهای قم، اراک، تبریز و ورشو نیز کارگاه دارد.

در کارگاه تاکستان قریب ۱۸۰ نفر کار می‌کنند، که از این عده تعدادی نجار و آرماتورساز و در حدود ۵۰ نفر کارگر ساده هستند.

کار سیلوی در صورت است که ابتدا نجارها و آرماتورسازها فالسندی می‌کنند و سپس توسط بناها بتن ریزی می‌شود. کارگاه فاقد سندیکا و شوراست و فقط از آرماتورسازها و نجارها تعدادی عضو سندیکای فالسندی و آرماتورسازهای تهران هستند. چندی پیش در کارگاه

انتخابات صورت گرفت و گارگران محلی ۲ نفر را به نمایندگی از طرف خود تعیین کردند. اما عملاً این دو نفر کاری صورت ندادند، یکی از نماینده‌ها که سرکارگر است، در تمام موارد به سود منافع رئیس کارگاه عمل می‌کند.

از طرف شرکت برای کارگران شهر - ستانی خانه کرایه شده است و به کارگران بومی نیز حق مسکن پرداخت می‌شود. از مشکلات عمده مهم کارگاه، وضع ایمنی آن است، که باید برای آن راه حل جدی فوری انحصار شود. باید برای کارگران وسایل ایمنی از قبیل دستکش، عینک و کفش - ایمنی تهیه شود. به علت کمبود وسایل ایمنی در این کارگاه، تنها در طی یک هفته برای ۴ تن از کارگران سانحه رخ داد، که در یک مورد به نقض عضو از ناحیه دست منجر شد.

از دیگر مشکلات کارگران وضع بیمه آنهاست. تنها تعدادی از کارگران بیمه هستند و بقیه از مزایای بیمه برخوردار نیستند.

**گرانی روز افزون هزینه زندگی بردوش زحمتکشان سنگینی میکند**

**زحمتکشان را باید با تصمیمات فوری و قاطع انقلابی از زیر این بار نجات داد**







# مبارزه خلق اروگوئه بر ضد دیکتاتوری گسترش می یابد

گزارش های رسیده از اروگوئه حاکی است که در هفته های گذشته سیزده آشتی یابیدرمان نیروهای دمکراتیک و دیکتاتوری نظامی آن کشور، که در ۱۳۵۲ زمام امور را در اروگوئه بدست گرفت، همواره شدت می گزاید. مردم اروگوئه سیزده از آن جهت به حتم آمده اند که، زنیال های اروگوئه نیز، مانند همتایان در شیلی، قصد دارند تا با برپایی رژیم دیکتاتوری در ۱۹ اذر ۱۳۵۹، درباره قانون اساسی جدید، به دیکتاتوری خود قانونیت بخشند.

امروزه نه تنها احزاب "فرنته آملیو" ("جبهه وسیع")، که همه نیروهای دمکراتیک، از جمله "حزب کمونیست اروگوئه" در آن متحد شده اند، بلکه تقریباً همه احزاب و سازمانهای روزروانی نیز به مخالفت با رژیم برخاسته اند. گروه اخیر همچنین دو حزب سنتی اروگوئه، یعنی "حزب ملی" و "حزب کلدو" را در بر می گیرد.

نمونه بارز اتحاد روزافزون خلق اروگوئه علیه دیکتاتوری، تشکیل "همگرایی ملی اروگوئه" در تاریخ ۱۶ فروردین امسال بود، که شخصیت های برجسته اروگوئه، با عقاید سیاسی، اجتماعی و مذهبی گوناگون در آن شرکت دارند. "همگرایی ملی اروگوئه" همه نیروهای دمکراتیک آن کشور را به اتحاد و تفاهم علیه دیکتاتوری نظامی و در راه استقرار دمکراسی در اروگوئه فراخوانده است.

رژیم دیکتاتوری اروگوئه، اتحاد فزاینده مردم را تا حد شدید سرکوب پاسخ می گوید. موجب اطلاعات "حزب کمونیست اروگوئه"، تنها در چهار ماه گذشته بیش از ۵۰۰ تن از زحماتکنان اروگوئه بازداشت شده اند. شماره زندانیان سیاسی اروگوئه، از جمله در اردوگاههای "لیرتاده" و "پورتادریس"، متجاوز از ۲۰۰۰ است. چندین پیش در نظارات صدامشیت که در اروگوئه صورت گرفت، کارگری جوان به نام خورخه ریس، از سوی ارتجاع به قتل رسید.

چندی پیش، رژیم، با توفیق دختر خوزه پدرو گاردوسو، روانشناس نامدار و صدر هفتاد و هفتاد و سه ساله، "حزب سوسیالیست اروگوئه" را خشم گسترده مردم اروگوئه را برانگیخت. "حزب سوسیالیست اروگوئه"، که مانند همه احزاب دمکراتیک و سازمان های توده ای اروگوئه در سال ۱۳۵۲ عرفانونی اعلام گشت، از سال ۱۳۵۰ تاکنون عضو "فرنته آملیو" است و جزو پایه گذاران این جبهه بشمار می رود.

دکتر گاردوسو در سال ۱۳۱۰ به "حزب سوسیالیست اروگوئه" پیوست و از سال ۱۳۱۲ تاکنون

عضو "کمیته" اجرائی آن حزب است. وی چندین بار به سمت دبیرکل "حزب سوسیالیست اروگوئه" انتخاب شد و سالها سردبیر "ال سول"، ارگاسان مرکزی حزب بود. دکتر گاردوسو ۱۶ سال در پارلمان و ۸ سال در سازمان وطفه سرگرد. وی تجریبات عینی خویش را در دوران فعالیت پارلمانی در کتاب "به نام خلق" بر روی کاغذ آورده است. گاردوسو همواره از ضرورت همکاری سان حزب خوش و کمونیست های اروگوئه پشتیبانی کرده است.

بازداشت گاردوسو مردم اروگوئه و انگسار عمومی جهان را بر آن داشته است که، با قاطعیت هر چه بیشتر با ردیکر آزادی فوری و بلا شرط همه زندانیان سیاسی اروگوئه را خواستار شوند. از جمله زندانیان سیاسی معروف اروگوئه میتوان از لیبیورینی زنیال مترقی و صدر "فرنته آملیو"، خاشم پیرز، دبیر کمیته مرکزی حزب کمونیست اروگوئه، و پروفسور خوزه خوئیس ماسرا، ریاضدان برجسته اروگوئه، که همچنین شهرت جهانی دارد، نام برد.

برخواست های نیروهای دمکراتیک منی سر آزادی زندانیهای سیاسی، استقرار دمکراسی، اجازه بازگشت به مهاجران سیاسی، تشکیل مجلس موسان و شرکت همه احزاب در حل مسائل مردم اقتصادی و اجتماعی، ایک تحریم قاطعانه "همه برسی" ۹ آذر نیز افزوده شده است. به گفته سخنگویان احزاب دمکراتیک، نظامیان قصد دارند تا با این "قانون اساسی" خود ساخته، دیکتاتوری خویش را "قانونیت" و "حکومت خود را" ابدیت بخشند. موجب "قانون اساسی" کذایی نامبرده، احزاب چپ کماکان اجازه فعالیت قانونی را نخواهند داشت، حتی یک زندانی سیاسی آزاد نخواهد شد و در حدود ده هزار شهروند اروگوئه از جمع حقوق سیاسی بی بهره خواهند ماند. فزون بر این، حتی احزاب روزروانی خواهند توانست به فعالیت سیاسی بپردازند، تنها نامزد واحد نظامیان میشوند در انتخابات ریاست جمهوری شرکت کند و در پیگرد موجب "قانون امنیت داخلی" نیز تجمیری حاصل خواهد شد.

چنانکه "حزب کمونیست اروگوئه"، در بیانیه ای خاطرنشان می سازد، اعلام باصطلاح بازگشت به دمکراسی، از سوی خویشای نظامی، تنها تلاشی است برای فریب مردم اروگوئه و مقابله با انفراد روزافزون رژیم در صحنه "سین المللی".

## شوخی نیست...

### سازش دوا بر قدرت!

دنیا، همانطور که می دانید، روی شش "سازش دوا بر قدرت" می چرخد. هیچ واقعه ای، جنسی، انقلابی، کودتایی، عقد قراردادی، جلسه مذاکره ای، کنفرانسی، خلاصه هیچ پدیده و محرک سیاسی انجام نمی پذیرد، مگر با توافق ابر قدرت ها. دلیل می خواهد؟ حرف جاسی، مگر دلیل میخواهد؟! شش و فوابع سنگرید.

محصص این که جنگ جهانی دوم تمام شد، ابر قدرت ها با هم توافق کردند که جهان هم بپسند. با هم قرار گذاشتند که در عرصه تبلیغات، بکسی علیه سرمایه داری و دیگری علیه سوسیالیسم تبلیغ کند. با هم توافق کردند که در تبلیغات ضد سرمایه داری، سیستم استعمار طبقات زحمتکش و استعمار خلق های زیر سلطه امپریالیسم فاش شود، و در عرصه تبلیغات ضد سوسیالیسم، جهان سرمایه داری "جهان آزاد" خوانده شود و کشورهای سوسیالیستی - کشورهای پشت پرده آفرین و نیز کشورهای دروغ های شاحدر به معطام اجتماعی این کشورها محازب باشد.

"ابر قدرت روش" موافقت کرد که ابر قدرت امریکا در تبلیغات خود تابع کند که در کشور روسیه زبان اشتراکی اند، خانواده وجود ندارد، مذهب قدغن است، قتل عام مردم محاز است. ۱۲۰ عدد سواک دندان بیشتر وجود ندارد، که دو عدد آنها به استالین و ۱۰ عدد دیگر به منفرقیه اعضا دفتر سیاسی (هر کدام یک عدد) تعلق دارد.

بین دوا بر قدرت توافق شد که ابر قدرت امریکا در اروپا برسد "ابر قدرت روس" پیمان نظامی ناتو را تشکیل دهد. "زنیال" هرکدام دیگری می تواند، پیمان هایی از نوع پیمان سنتو و سیتو و غیره بسازد. با کشورهای "جهان آزاد" قراردادهای نظامی ببندد. شکهای از پایگاه های نظامی برسد "ابر قدرت روس" بوجود آورد، به نحوی که "ابر قدرت روس" در محاصره نظامی ابر قدرت امریکا قرار گیرد. دوا بر قدرت با هم توافق کردند که این عملیات به عنوان مقابله با "خطر شوروی" انجام گیرد، و ضمناً بین آنها موافقت شد که پیمان ورشو هم در مقابل پیمان ناتو تشکیل شود، سادار اشتی راستی، کار از دست ابر قدرت امریکا خارج شود و این ابر قدرت به "ابر قدرت روس" حمله کند.

علاوه بر آن، دوا بر قدرت توافق کردند که از این پس، هیچ واقعه ای بدون توافق و سازش آنها صورت نگیرد. وقایع مشخصی بین این توافق و سازش کلی است. مثلاً "جنگ کره"، "ابر قدرت روس" موافقت کرد که ابر قدرت امریکا به حمله کند و ابر قدرت امریکا موافقت کرد که در این جنگ شکست بخورد. جنگ ویتنام سازش دوا بر قدرت را واضح تر فاش می کند. "روسیه" موافقت کرد که امریکا به ویتنام لشکر کشی کند و سالها آهن و آتش برویتنام فرو ریزد، به شرط این که "روسیه" هم به ویتنام کمک کند. دوا بر قدرت با هم قرار گذاشتند که اگر سر امریکاطوری شکست بخورد که افسران و سربازانش به جرح و هلیکوپترها بچسبند و فرار کنند و ویتنام سوسیالیستی شود. در عوض، بین آنها توافق شد که آلبنده در شیلی با یک انتخابات سرکار بیاورد. اعلام کند که می خواهد سوسیالیسم بسازد، بعد امریکا کودتاییه شکست و حکومت آلبنده را ساقط کند و در شیلی رژیم فاشیستی برپا کند.

هزار نمونه می توان از توافق و سازش ابر قدرت ها آورد. مثلاً "در سودان"، موافقت آنها، جعفر نمیری استبداد به عنوان استقلال طلبی روی کار

نمونه ۲ - حقایق فوق را ما تحت تاثیر نصیحت دوستانه ای برشته تحریر در آورده ایم. دوستی که متأسفانه در "حاشیه" نشسته است، نوشته بود: "به محض این که حرف از تفاهم و توافق دوا بر قدرت به میان بیاید، به تودهای برمی خورد که به ارباب بد گفتی؟"

ما متوجه شدیم که دیگر نباید منکر "تفاهم و توافق و سازش دوا بر قدرت" شد، چون ممکن است به ارباب برخورد.

"ناصح" آخرین سند "سازش دوا بر قدرت" را نیز ضمناً به ما ارائه داده، که خیلی قانع کننده است. نوشته:

"دیروز هارولد براون وزیر دفاع امریکا به مسکو چراغ سبز داد و به روسها یک نصیحت دوستانه کرد که، تنها راه از بین بردن بقایای مقاومت مجاهدین افغانی این است که روسیه نیروی خود را در افغانستان دوا بر این کند.

با شنیدن این نصیحت دوستانه هارولد براون، حتماً وزیر دفاع روسیه هم به امریکا نصیحت دوستانه کرده است که، پیش از پیش از پاکستان به افغانستان "مجاهد" حادر کند.

### در مطبوعات کشور

### در هر کجا جنبش آزادیبخشی بوجود می آید، آنرا به اتهام کمونیستی بودن درهم می کوبند

صبح آزادگان، زیر عنوان "طرحی برای سیاست خارجی" از جمله می نویسد:

... امروزه این فقط وسایلهای و بهانه های برای سلطه گری غرب شده است، در هر کجا جنبش آزادیبخشی بوجود می آید، آن را به اتهام کمونیستی بودن درهم می کوبند. حتی کودتای ۲۸ مرداد را که راه انداختند، در اروپا آنرا مبارزه برعلیه کمونیستی جلوه دادند.

... نگذاریم این تضادها (تضاد بین کشور های غیر وابسته) همچنان زمرن شوند. این کشورها هر کدام دارای سواد اولیه و محصولات کشاورزی و صنعتی متفاوتی می باشند که می توانند متقابلاً مورد تبادل قرار دهند و رشد یکدیگر کمک کنند. سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران باید در این راه قدم های بزرگی بردارد و از اینها دعوت کند تا امکانات شان را در اختیار همدیگر بگذارد. نسه اینکه اگر هندوستان در مورد این همکاری ناممکنی متعددی به وزارت امور خارجه می نویسد، به وجهار ماه بدون جواب می ماند.

... باید متوجه این معنی باشیم که بعضی اوقات رابطه ها و ملاقات ها با دولتی که در شرایط خاصی در برابرتش قرارداد دارد، سبب دلبری ملتش و حتی تمام ملت های زیر سلطه جهان شود.

... چطور وقتی رئیس دولت چین به ملاقات شاه می آید، ما اعتراض می کردیم. ولی آقای قطب زاده با کمال وقاحت از پاکستان دیدن میکند و ما اعتراض نمی کنیم؟ ملت پاکستان هم پس از علی بوتو کودتایی نظیر کودتای ۲۸ مرداد را داشت.

... فقط با داشتن اطلاعات صحیح میتوان بر اساس "تزدیکی با حق و دوری از باطل" سیاست خارجی را تنظیم کرد. کمی اطلاعات و با بدتر از آن به دام تبلیغات و زمینه سازی ها افتادن فاجعه های سیاسی خطرناکی همزه خواهد داشت. اگر موضوع کارمان را جدی بگیریم باید اعتراف کنیم که سده از افغانستان درست خبر داریم، نه از مصروفات اهداف عراق والی آخر. مایه تخمین و گمان توسل می شویم آنهم با مقدماتی نظرات و علائق شخصی نه به شکل حقیقت حوی. نتیجه این می شود که سیاست خارجی این یک ساله اخیر فقط یک مشت فحش و شعار بوده، که با معنی از کشورها سادله کرده ایم.

(صبح آزادگان - ۲۲ شهریور ۵۹)

### این کجایش میزان است

... و سرانجام از تخم بیرون آمد. ولی هر چه نگاه کردیم، هیچ جایش را میزان ندیدیم. ویژه - نامه اش، شاید، سختی بود و در باغ سیزی، اما بیهوشی، بکسر نامیزان بود.

... همین شماره نخستین آن خیلی به "راست" سنگینی کرده است. مواظب باشید "جبه" نشود.

... آنکه می گفت طقات در جامعه ما وجود ندارند، مفید می الارض، امیر عباس هویداورد، طلعون ازل و محمد رضا پهلوی بود. اما، بیخشدی؟ شما چرا با جامعه ی طبقه موالفید؟ آیا با مستکران گاو بندگی کرده اید؟ شاید هم خودتان مستکبر ...

یک بدعت دیگر: "به نام افتخاری، عرض و آبروی مسلمان حراج می شود."

راستی کی ها را میگویند؟ ما که دیدیم اینان، چگونه مسلمانانی بودند. امیر نظام بود، آن - رسوایی ها، مدنی بود که گویند چهل میلیون هزینه انتخابات وی بود. نرزه بود. و ما دیدیم که هیچ چیز نرزه نبود.

... یک بدعت دیگر: حمله به سازشکاران: "سازشکار لقی است که مارکسیست ها برای از میدان بدر کردن آزادیخواهان ا جعل کردند."

... راست است که فریبکاران حافظه ندارند. اما معلوم شد کسانی که می خواستند با بزینگی سازش کنند، آنها که ساززه با امریکا را نادانی می شمارند و توطئه های امپریالیست های پالات متحده را فرمی می دانند. "آزادخواه" هستند. حالا دانستم که این آقایان خواستار چگونه آزادی هستند و چرا این قدر نسبت به عنوان سازشکار حساسیت دارند.

... اینها انتصاحات شمار. نخستین میزان بود. گفتیم این ها چه رسوایی است؟ گفتند: رسوایی نیست، عقاید حضرات است.

... آقایان ۱ میزان "شما میزان نیست. مردم را فریب ندهید. گند نمایان جو فروش ۱ ... (صبح آزادگان - ۲۰ شهریور ۵۹)

## در جهان سوسیالیسم

### جمهوری دمکراتیک آلمان از نظر درصد کودکانی که به مهد کودک می روند، مقام نخست را در جهان حائز است

درده سال گذشته، در جمهوری دمکراتیک آلمان:

- برای ۱۰۶۰۰۰ کودک، مهدکودک
- برای ۲۰۶۹۰۰۰ کودک، کودکستان
- ۲۹۶۰۰ کلاسی درس
- ۱۱۰۰ سالن ورزش مدرسه

ا حداث شد.

یک سوم گنجایش کودکستانها و مهد های کودک در جمهوری دمکراتیک آلمان در دهه پیش ا بجا ذکر دیده است. بدین ترتیب، در صدکودکان تا سه ساله ای که به مهدکودک میروند، از ۲۹۹ درصد سال ۱۳۴۹ به ۶۱ درصد سال ۱۳۵۸ افزایش یافت و جمهوری دمکراتیک آلمان را از این نظر در سطح جهان در مقام نخست قرار داد. در همین سالها در صدکودکان کودکستانی از ۶۵ به ۹۲ رسید.

در سال ۱۳۵۸، ۷۸/۸ درصد زنان آلمان دمکراتیک کار می کردند و با درس می خواندند.

## برقرار باد اتحاد همه نیروهای ضد امپریالیستی و دمکراتیک ایران در جبهه متحد خلق



# ورشو بمانند دیکتاتور است یا تهران؟!

یکی از شکردهای تبلیغاتی خبرگزاریهای امپریالیستی در جریان رویدادهای لهستان، آن بود که، مانور نیروهای برخی از کشورهای عضو «پیمان ورشو» را که از ماهها پیش برنامه ریزی و تدارک دیده شده بود، در ارتباط با رویدادهای نامبرده معرفی کند و دربارۀ باسلاح دکترین برزف اسفانهها بیروند، بدبختانه، رسانه‌های گروهی ما نیز، که دانسته و یا ندانسته، اغلب تحریفات و دروغهای خبرگزاریهای اجیر امپریالیسم را شخوار میکنند، اینبار نیز در بهترین حالت بدم افتادند و با عکس و تفصیل از «تجاوز ارتشهای «روسیه» و «آلمان شرقی»... به لهستان خبر دادند! درحالیکه، مانور جنگی «لایفلاین» پیمان تجاوزکار «ناتو»، که تقریباً همزمان انجام گرفت، بمون خبری معادیه نقلی شد. یادآور میشود که در این مانور، بویژه «نیروهای واکنش سریع» آمریکا شرکت داشتند. همان سیاهی که امپریالیسم آمریکا برای دفاع از منافع مداخله‌گرانه و غارتجویانه خویش در اقصی نقاط جهان، بخصوص در خاورمیانه و خلیج فارس، سرهم کرده است. نیروهای مسلح «ناتو» در پنج سال گذشته، در حدود ۳۰۰ بار به مانور دست زده‌اند. هنوز مرکب مسند نهایی هلسینکی بر کاغذ خشک نشده بود که، در پائیز ۱۳۵۴، مانور پائیزی «ناتو»، که منطقه وسیعی از اروپا، یعنی از دانمارک شمالی تا دریای مدیترانه را فرا میگرفت، آغاز گشت. در این مانور، که «آوتوآتم فورج» نام داشت، برای نخستین بار، ۲۳۵ هزار سرباز کشورهای «ناتو» بهترین حملات برق‌آسا به کشورهای عضو پیمان ورشو» پرداختند.

از آن تاریخ، شماره سربازانی که در مانورهای پائیزی «ناتو» شرکت میکنند، سال‌سال، افزایش یافته است. درسال ۱۳۵۷، ۴۰۰ هزار سرباز و افسر، ۱۵۰۰ هواپیما، ۴۰۰ کشتی جنگی و دهها هزار خودروی رزمی در مانورهای پائیزی «ناتو» شرکت کردند. در سلسله مانورهای پائیزی ۱۳۵۷، که از ۳۰ مانور جداگانه تشکیل میگفت، تحرک نیروهای مسلح و ذخیره «ناتو» مورد آزمایش قرار گرفت. حمل نفرات و تجویزات از ایالات متحده آمریکا به اروپای غربی تمرین شد و عملیات نظامی هوایی، زمینی و دریایی در هشتادگی یا یکدیگر صورت پذیرفت.

«ناتو» اعلام کرده است که، مانور پائیزی اسال بزرگترین مانور نوع خود در ده سال گذشته خواهد بود. قرار است که تقریباً تمام واحدهای ذخیره بریتانیا، هلند و بلژیک در این مانور شرکت کنند. فزون بر این، تعداد پیشماری از یگان‌های ایالات متحده به اروپای غربی گسیل خواهند شد. نقل و انتقال سپاهیان آمریکا از ایالات متحده به اروپای غربی سال سال نفرات بیشتری را دربر میگردد و از ده هزار نفر در سال ۱۳۵۴ به چهارده هزار نفر در سال گذشته رسیده است. نیروهای هوایی «ناتو» در مانورهای سالانه «کولد فایر»، «کرسدک» و «کلاوودی کوروس» خود، به مانورهای نیروهای زمینی پیوسته‌اند. فزون بر این، نیروهای دریایی «ناتو» نیز، از جمله در دریای شمال، دریای بالیک، اقیانوس اطلس و دریای مدیترانه به مانورهای وسیع پرداخته‌اند.

در هر یک از مانورهای دریایی «پاتانی» و «بولد کب» در دریای بالیک و دریای شمال، در حدود ده هزار سرباز و بیست و یک کشتی جنگی آلمان غربی، بریتانیا، دانمارک و نروژ شرکت کردند. از جمله مانورهای دریایی بزرگ «ناتو»، مانور «تیبورک ۷۶» بود، که با شرکت ۸۰ هزار سرباز، ۲۳۰ کشتی جنگی و ۹۰۰ هواپیما، از ده کشور عضو انجام شد. در مانور «نورترنودینگ» ۷۸، ۶۰ هزار سرباز، ۲۲۲ کشتی جنگی و ۸۰۰ هواپیما شرکت داشتند.

مانورهای سالانه «داتون پیتورل» و «دیسپلیدی پیتیش» در مدیترانه، با ترفار سران «ناتو»، با توجه به اوضاع خاورمیانه و نزدیک، یعنی از جمله ایران خودمان، صورت گرفت.

مایه تاسف است که، چون خبرگزاری‌های امپریالیستی، با تاسی وابستگی‌های مزدورانه خود، به نشر خبر درباره مانورهای جنگی تیرم پردازان خویش رغبت چندانی نشان نمیدهند، رسانه‌های گروهی ما نیز در این زمینه سکوت اختیار کنند - حتی اگر بسیاری از این مانورها درست بغاظر مقابله با انقلاب ضد امپریالیستی ما برپا شود. مثل اینکه در جغرافیای برخه‌ها، ورشو نزدیک‌تر است تا تهران!

## در جلسه عانی دیروز مجلس

پته از صفحه ۲

«گروگانها» محاکمه آمریکا و تمام جنایت‌های است که در این کشور و در «دنیای گردماست»... من معتقدم این‌ها باید محاکمه بشوند.

مجلسی در پایان سخنانش، ضمن تاکید بر مبارزه دائمی با امپریالیسم آمریکا، شمار داد: «هرگز بر آمریکا» در پایان جلسه دیروز، نامه محمدعلی رجایی، نخست وزیر، درباره معرفی دوتن وزیر جدید به نامهای مهتدی موسی خیر وزیر مشاور، سرپرست سازمان برنامه و مهتدی جواد تندگویان وزیر نفت قرائت شد و بحث پیرامون آنها به جلسه پنجشنبه صبح مجلس موکول شد.

### توضیح

متأسفانه در شماره ۳۲۷ نامه «مردم» در گزارش جلسه علمی پنجشنبه ۲۷ شهریور ماه ۱۳۵۹ مجلس شورای اسلامی، نام آقای شرافت‌بجای نام آقای موسوی تبریزی جایب شد، که به سخنان آقای مهتدی بزرگان جواب داده بود. علت این اشتباه آنست که آقای موسوی تبریزی بهنگامی‌ساز از میکروفون آقای شرافت استفاده کرد.

## تشکل کارگران در انجمن‌های صنفی (سندیکالی) ضرورت انقلاب ایران است

## باوحدت...

پته از صفحه ۱

در روزهایی که نخستین کاروان شهیدان بسوی «بهشت‌زهرا» روان شده، از سوئی بروشن‌عیان گردید که رژیم بوسیله طاعون، در برابر این سیل بنیان‌کن طاقت بقا نخواهد داشت، و از سوی دیگر آشکار بود که، نبرد ما با ابلیس عصر، یعنی امپریالیسم آمریکا، نه یک مصاف و نه در مصاف بود، و آنانکه میلیاردها و تریلیونها ذخائر ما را چاییده و به چپاول-گری این مرز و بوم جو گرفته‌اند، به آسانی دست از گریبان ما نخواهند کشید، و ما از همان نخستین روز پراز انقلاب شاهد این واقعیت بودیم.

دوران جنگ رویارویی در خیابانها موقتا سبزی شد و دوران جنگ تحریبی «نهانی» در داخل رژیم جمهوری اسلامی ایران آغاز گردید. ولی هنگامیکه حرکت انقلابی دانشجویان مسلمان بیرو خط امام با تأیید امام خمینی و پشتیبانی قلم میلیونها «مرد انقلابی» ایران امید مسخ «کام‌بیکام» انقلاب از درون را از امپریالیسم گرفت. آنگاه شیوه‌های جنگ رویارویی با انقلاب ایران بار دیگر در صنف مقدمه قرار داده شد: تهاجمات، توطئه‌ها، کودتاها و بالاخره جنگ آمریکا علیه جمهوری اسلامی ایران بلمست رژیم مزدور یعنی عراق و با همکاری همه مرتجعین منطقه آغاز گردید و پسرده‌های

## ما با آمریکا...

پته از صفحه ۱

جبهه» فراهم گردد. تکرار نیروی دریایی آمریکا در آبهای مجاور ایران و گسیل واحدهایی از نیروی هواکنش سریع آمریکا، در نقشه آمریکا-بمنوان پوششی برای جنگ ایدانی عراق و تشویق و دلگرمی رژیم مزدور یعنی عراق به ادامه جنگ تجاویزی ایدانی علیه جمهوری اسلامی ایران و تک‌گام‌های برای همه نیروهای ضد انقلابی داخلی و خارجی دد نظر گرفته شده است.

امریکا بهنگام تدوین این نقشه - تجزیه‌بخشی از ایران و اعلان حکومت «آزاد» در آن، که مبنایستی با تهاجم نظامی جمهوری اسلامی ایران را براندازد- یک عامل را بصباب نیاروده و نمیتوانست و هیچگاه نخواهد توانست به حساب آورد. این عامل، که در آخرین نتیجه تمسین‌کننده سرنشوست است، ناش خلق است.

خلق رزمنده و انقلابی و مصمم به‌رهائی از یوغ سلطه امپریالیسم هار و جهانخواز، نه در ویتنام، نه در کوبا، نه در کره، نه در آنکولا، نه در موزامبیک، نه در زیمبابو، نه در یمن دمکراتیک، نه در الجزایر... نه در هیچ کجای دیگر، هیچگاه در محاسبه امپریالیسم هار و جهانخواز وارد نشده و نمیتواند وارد شود. تکیه‌گام و ابزار کار امپریالیسم آمریکا «نخبگان ضد انقلابی» و قشری از جامعه است که بر کرده خلق سوار بوده‌اند و خلق انقلابی آنها را از کرسی قدرت حاکم بزیر کشیده است.

خلق رزمنده و انقلابی ایران به رهبری امام‌خمینی، در نبرد سرنوشت‌ساز با آمریکا جنایت-کاره بر هیچ تردید به پیروزی نهانی و انتخار آفرینی دست‌خواهد یافت. خلق رزنده و انقلابی ایران در این نبرد سرنوشت‌ساز تنها نیست. تمام نیروهای بیرونی جبهه ضد امپریالیستی جهان‌سای پشتیبان او هستند. امام‌خمینی در پیام بیروزی خود

بزرگتر هنوز بروی صحنه نیامده است.

ولی دوران رشد و پیروزی انقلاب و مراحل عروج آن، همچنانکه نمایانگر توسعه توطئه امپریالیسم، بسرگردگر امپریالیسم آمریکا پیورده است، از سوی دیگر بیانگر این واقعیت نیز بوده است که خلق ما برهبری بسا درایت و قاطع امام‌خمینی در همه مراحل توانسته است سلاح مقابله با امپریالیسم را بدرستی تشخیص دهد و با این سلاح انقلاب را حفظ و تداوم بخشد. این سلاح و برآمد «وحدت کلمه» و «وحدت عمل» بوده است. آری، نیروی اعجاز‌آفرین وحدت همه نتواند تسلطان بزرگ و همه نوکران و عمال او را بزناورد آورد و بزناو درخواهد آورد.

این «وحدت» فقط یک شعار و یا یک کلمه زیبا نیست، بلکه یک مقوله بسزرگ سیاسی و اجتماعی است، که باید معنای آنرا درک کرد و به آن تا آخر و در همه اوضاع و احوال صادق بود.

وحدت کرها و وحدت برای چه؟ پاسخ روشن است: وحدت برای دفاع از انقلاب ضد امپریالیستی و خلقی ایران و حفظ جمهوری اسلامی ایران از دستبرد امپریالیسم آمریکا و ضد انقلاب داخلی. لذا کلیه نیروهای ضد امپریالیستی و خلقی واقعی باید در ایجاد چنین وحدتی بکوشند و در قوام‌بروادم آن سهیم‌باشند. امام خمینی محور

و رهبر این وحدت است. همه باید چون تنی واحد بر اطراف رهبر انقلاب و بیانیگذار جمهوری اسلامی ایران متحد شوند و از انقلاب و جمهوری اسلامی ایران تا آخرین قطره خون خود دفاع کنند. میار صحت همه منافع‌های احزاب، سازمانها و گروهها و شخصیت‌های مختلف، در این برهه تاریخ و در این بوته آزمایش و محک انقلاب، روشن خواهد شد.

آخر نمی‌توان نام مدافع‌صانع خلق بی‌خود گذاشت و آنوقت در حالی که امپریالیسم بر رژیم خلقی کشور ما حمله میکند، نه تنها بیطرف نشست، بلکه احیاناً با اعمال نادرست خود آبدر آسیاب امپریالیسم ریخت. نمی‌توان در این کارزار بزرگ خلق در سنگر امپریالیسم ریخت. نمی‌توان در این خلق قرار نگرفت و فریاد تاریخ را، که همه فرزندان صدیق خلق را به هوشیاری و فداکاری و ایثار و قاطعیت انقلابی فرا میخواند، در میان زیر و بم تصورات نادرست خود ناشنیده گذاشت. آری، یک انقلابی واقعی و یک مبارز راستین باید آن قدرت معنوی و عظمت روحی را داشته باشد که بر نفس خود چیره شود، و اگر تا امروز راه کج رفته است، از آن برگردد و روی در سرالاستقیم خرد انسانی بگذارد.

تکیه تاریخ انقلابی ایران، در نبردی که امروز ما را با امپریالیسم خونخوار آمریکا روبرو ساخته است، خلاصه می-شود. آنانکه تواریخ گذشته را

## تظاهرات عظیم...

پته از صفحه ۱

می‌زد. بی در می این شمار آسان را بلرزه مرانداخت:

هرگز بر آمریکا... در ابتدای مراسم، پیام امام خمینی به مناسبت آغاز سال تحصیلی پخش شد و سپس آقای محمد علی رجایی نخست‌وزیر سخنرانی کرد. پس از سخنان نخست‌وزیر، پیام دکتر ابوالحسن بنی‌صدر رئیس-جمهور قرائت شد، سپس آقای علی‌اکبر پرورش نماینده مجلس شورای اسلامی ایران سخن سخنانی از جمله گفت:

«دشمن بعد از انقلاب با حملات سه‌گانه اش کوشیده است گردانها و گردیدهای تند ایجاد کند و این ملت را یکدم خود بکشد. هر لحه یکی از انواع حملاتش را آزمایش می‌کند و هم‌اکنون در آستانه سال تحصیلی جدید، دشمن با تمام نیرو، یکی از انواع حملات ۳ گانه خود را آغاز کرده است. حمله نظامی در مرزهای ایران و عراق، حمله نظامی با توجه به کودتای آمریکائی ترکیه برای درحصار قراردادن ملت انقلابی ما، و جرایم و در نتیجه به خیال اینکه ملت عزیز را به انزوا بکشاند، هم‌ها با این حملات سه‌گانه، حملات فرهنگی نیز از طریق مدارس، از طریق پایگاههای علم و دانش و فرهنگ درصدد است اغتر کند»

علی‌اکبر پرورش در جای دیگری گفت: «مستون فقرات یک ملت آنگاه مرشکند که ناخودآگاه به کام

میدانند و برخی به فلان‌مجلسید جمال‌الدین اسدآبادی اعتراض میکنند و برخی جمهوریهای احسان‌اله خان را مورد انتقاد قرار میدهند و همدانند کازریا و غلظت‌های دوران مصدق را یاد نکوشن میگیرند. امروز خود در معرض چنان‌سوالی قرار گرفته‌اند که هرگز با این قاطعیت دتاریخ ایران مطرح نبوده است: آیا مبارزان امروز ثابت خواهند کرد که از تاریخ، نه فقط آه کشیدن بعد از شکست، بلکه تشخیص راه پیروزی از چاه شکست راه یاد گرفته‌اند؟ آیا مبارزان امروز ایران گمراه‌های ادوار گذشته را تکرار خواهند کرد و این انقلاب را به ناگامی کشیده خواهند شد و یا با تهاجم و لیاقت کامل از تاریخ خلق خود و محملتهای جهان خواهند آموخت و انقلاب خلق خود و جمهوری اسلامی خود را حفظ خواهند کرد؟

آری، ما در مقابل آزمایشی سهیمین قرار گرفته‌ایم. باید جبهه متحد و منسجم و مجهز و مسلح همه نیروهای صدیق و تاجر جبهه رهبری امام خمینی، در برابر جبهه متحد امپریالیسم آمریکا و همه متحان و دستیاران و نوکران داخلی و خارجی او قرار دهیم. اینست آن بهترین وظیفه‌ای که امروز در برابر نسل انقلابی ما قرار دارد و یگانه مینای قضاوت تاریخ آینده درباره عملکرد نسل امروز خواهد بود.

این گرداب‌های سیاسی واجتماعی، که نشمن با حملات نظامی و سیاسی و فرهنگی ایجاد می‌کند، یقیناً مواظب بشنید قوام ما، قیام ما، هیئت بستگی دارد که سر کیم حملات سیاسی، نظامی و فرهنگی دشمن را دفع نمائیم و اصلاً از ایجاد چنین گرداب‌های سیاسی جلوگیری کنیم. و اگر او موفق شده است و چنین تبدیلهائی را ایجاد کرده است، ازین پیرم و حتمالوفا بانشم به کام این گرداب‌ها نیفتیم»

در پایان قلمنامه کردهم‌آنی قرائت شد. در قلمنامه از جمله آمده است:

«ما می‌توانیم با تمام قدرت در مقابل خطرات خارج‌برایستی و مقابله کنیم. از محاصره اقتصادی و بلوکه کردن پولهای ما در خارج گرفته تا ساختن جو تبلیغاتی و سیاسی از مجرای ارگانه‌های تبلیغاتی صیونیستی و همچنین از تهاجم نظامی آمریکا در پس افیانوس هند گرفته تا جنگ عراق و همکاری ارتش وابسته مصر با عراق بر علیه ایران و حتی کثیف‌ترین طرحی که شاه‌عاج نتوانی آنها نیز مر باشد، یعنی بهره‌انماختن جریانی به منظور اینکه اسلام ایران و اسلام خمینی، اسلام نیست، بلکه کفر است، آنچه مخزهای مزدور ملک حسن در آن کنترانس آمریکائی گفتند»

«بکوشیم تا با تشکل خود دز سراسر کشور مشت محکمی گردیم علیه امپریالیسم و عمال داخلی‌اش»

## گشایش کنگره انجمن هنرمندان افغانستان

با پیام بربک کارمل، رهبر افغانستان، کنگره انجمن هنرمندان افغانستان در کابل با شرکت صدها نقاش، کارگردان سینما و خاتره هریشه و غیره، کار خود را آغاز کرد. بربک کارمل در پیام خود، ضمن تاکید بر اهمیت کنگره، گفت: «هنر نوخ هنر باید به بالا بردن آنتیبار افغانستان و گسترش همکاری با نیروهای صلح و رفرف در جهان کمک کند» کارمل یادآور شد: «هنر باید روشهای ماندنی برای پیشرفت کشور کثیرالمله افغانستان فراهم کند و روح صمیم‌پرستی و از خودگفتنگر در میان خلق را غنا بخشد»



# اعلامیه کمیته مرکزی فرقه دمکرات آذربایجان - سازمان حزب توده ایران در آذربایجان درباره پاکسازی در آموزش و پرورش استان آذربایجان شرقی

«بچه» کاندیداتوری حزب توده ایران مورد پاکسازی قرار دادند. اگر جوی را که این پاکسازی معمولاً و در مواردی مفرطانه می‌تواند هنگام بازگشت مدارس بوجود آورد، در نظر آوریم در صورتی می‌توانیم ابعاد خطرناک آن را برای انقلاب تصور شد.

این پاکسازی، با این کیفیت، در منطقه‌ای از شدت و حدت بیشتری برخوردار است، که می‌تواند به یکی از کانونهای تشنج در ایران تبدیل گردد. منطقه‌ای که در آن به اصطلاح حزب خلق سلمان، مترسد حادثه آفرینی است و آمریکا در همسایگی با این خطه به کودتای خود در ترکیه دست زده است، تا حلقه محاصره علیه انقلاب ایران را تنگتر نماید.

مگر هتداهای بی دردی مقامات مسئول، از جمله امام جمعه تهران تحت‌الاسلام خامنه‌ای، در مورد بازگشت مدارس کافی نیست که ابعاد وسیع توطئه دشمنان را روشن سازد؟

اخراج آموزگاران و دبیران فقط و فقط بخاطر «غیراسلامی بودن» یا اتهامات راهی دیگر، آیا به ایجاد تشنج و درگیری و تفرقه و بدبینی بین نیروها کمک نمی‌کند، که خواست دیرین ضدانقلاب است؟ برای تصفیه ادارات فقط یک معیار واقعی وجود دارد، آنهم وفاداری به انقلاب و جمهوری اسلامی ایران است.

اخراج مسلمین وفادار به انقلاب و جمهوری اسلامی ایران از آموزش و پرورش بعنوان «توده‌ای» یا «بچه» مورد اعتراض شدید همه نیروهای ترقی‌خواه و انقلابی است.

کمیته مرکزی فرقه دمکرات آذربایجان سازمان حزب توده ایران در آذربایجان با احساس مسئولیت انقلابی، ضمن محکوم کردن اینگونه افعال نادرست تمام اعضاء و هواداران خود را فرا می‌خواند تا در آستانه بازگشت مدارس با هوشیاری هرچه تمامتر، در جهت تصفیه ضدانقلاب بکوشند و اجازه ندهند که ضدانقلاب با استفاده از یکسری تصحیحات شتابزده و ناسنجیده به نیت شوم خود نایل آید.

کمیته مرکزی فرقه دمکرات آذربایجان - سازمان حزب توده ایران در آذربایجان ۵۹۱۶۳۵

یکی از عمده‌ترین وظایف انقلاب شکوهمند خلقی ایران تصفیه عناصر وابسته به امپریالیسم ضدانقلابی و ساواکیهای مزدور است، که می‌بایست در همان روزهای اول انقلاب با اصول صحیح و منطقی انجام می‌پذیرفت. متأسفانه با کج‌اندیشی و سازشکاری دولت سوقت و صوابین گوناگون از جمله استفاده از تخصص و تجربه، این مسم یا اینجانب گرفتار و یا اگر دیارهای از ادارات تحقق یافت، بسیاری سطحی و ناصح بود. بعد از شکست سیاست «گام بگام دولت بازرگان و افتاء ماهیت لیبرالیسم» تصفیه ادارات و کارخانه‌ها از سر گرفته شد، که این روزها در آموزش و پرورش آذربایجان شرقی در جریان است.

توجه جدی به کیفیت این پاکسازی و شرایط مکانی و زمانی آن از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. این پاکسازی در شرایطی انجام می‌پذیرد که امپریالیسم آمریکا، رهبری کارتر جنایتکار، طبق اقدار خود در صدد سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی ایران است و تا انتخابات ریاست جمهوری در آمریکا می‌خواهد قصد شوم خود را به مرحله اجرا بگذارد. یکی از حلقه‌های این توطئه، ایجاد تشنج و به آشوب کشیدن مدارس است، که بهترین شرایط را برای بهره‌برداری ضدانقلاب از این جو آشوب را مهیا می‌کند. لذا ضدانقلاب بدست عناصر مرث و فاجرین خود در صدد است که با بازگشت مدارس، جو تشنج لازم برای مقصد خود را بوجود آورد.

کیفیت پاکسازی در آموزش و پرورش استان آذربایجان شرقی طوریست که ناآگاهانه و ناخواسته می‌تواند در جهت هدفهای فوق‌الذکر امپریالیسم آمریکا عمل نماید، زیرا:

اولاً علاوه بر پاکسازی عناصر ضدانقلاب، که کاریست درخور انقلاب، عناصر دیگری هم پاکسازی شده‌اند که محور و معیار پاکسازی آنها، نه بر اساس صفت آنها با انقلاب، بلکه به علت داشتن عقاید «غیراسلامی» است. و این نقض نص صریح قانون اساسی است، که تشریح تالیف در آن سکون است.

ثانیاً این پاکسازی در مواردی جنبه انتقامجویی بخود گرفته و برخی از افرادی که بازگشته نیز شده‌اند، صرفاً بخاطر «بچه» بالا یا

## این خبر را بخوانید! به قسمت شوخی اش بخندید به قسمت جدی اش بیاندیشید

خبری در جراید فرانسوی، بویژه مطبوعات جنجالی آنها درج شده که بخش بزرگ‌تر از آن خنده‌دار می‌نماید، ولی دارای قسمت جدی و قابل توجهی نیز هست.

خبر می‌آورد که از تشکیل جلسه سران عالی‌رتبه، مخالفان رژیم جمهوری اسلامی ایران در پاریس، مرکب از لودوین ژانیه، هوشنگ لاهوتی، ارتشید اویسی، شاپور بختیار، نژی و برنارد و داروسته آنها: آتش هفت‌چوشتی از هرچه ضد خلقی و ضد ایرانی است، تله‌فلم‌سازی از هرچه ضد انقلابی و سرسپرد آمریکاست.

ولی آقایان، طی چهار روزی که در پایتخت فرانسه، در اتاقهای مختلف یک خانه گرد آمدند، توانستند باهم حتی در یک جلسه ملاقات کنند و یادها از این اتاق به آن اتاق متن «تصحیحات و طرح‌ها» را می‌بردند و می‌آوردند و به تصویب سران عالی‌رتبه، می‌رساندند.

خنده‌دارش، تصور همین ویلای مجلل واقع در محله ۱۶ پاریس و بحثهای باواسطه و کارگزار و قیافه‌های پلکانی پدیدار می‌شود که در باره چگونگی به سلطنت رساندن رضای دوم (!) یا بقول جسراید فرانسوی، «رضا سروس» توی سر و کله یکدیگر می‌زنند، گویا چهار طرف بالاخره موافقت فرمودند که سلطنت مستقر شود و رضای نامبرده هم شاه باشد؛ مانده بود چگونگی انجام این عمل و با اصطلاح جاودانی عینه بستن زنگوله بگردن کریم، که تا آخر هم توافق نشده، بالاخره چه وقت رژیم جمهوری اسلامی ایران سرنگون شود؛ قبل از تاریخ فلان یا بعد از تاریخ فلان!

اما هست جدی خبر دوستان، و هر دو قابل توجه.

اولاً ادامه توطئه‌های ضد انقلابی و هزیمان کردن و تطبیق ثلاثیهای فراریان ضد انقلابی از بختیار، با سوسیالیست‌های آمریکائی و قیافه مضحک «ملی» نمایانه‌اش، تا اویسی با جلافتنی مشهور و سرسپردگی خونخوارانه‌اش نسبت به آمریکا، دویای ضدانقلاب در خارج، که با بازها از آن صحبت کرده‌ایم، و یکی از مرادوی ایران! و دیگری از صدای آزاد ایران! ملین شوم خود را مرتباً در فضای مبین ما میکشاندند اینک میکوشند با تاروب و توازن (!) فرمان واحد سیاست آمریکا به حرکت درآیند.

پس بر ماست که با هشاری دائمی نسبت به خطر جدی توطئه‌های شیطان بزرگ، کاری کنیم که هرگز این طغیان‌های مضحک و عروسک‌های خیمه‌شب‌بازی نتوانند هیچ فلفلی بکنند.

ثانیاً جلسه مزبور، ماه پیش، از سمنه تا جمعه، یعنی بعدت چهار روز، در محله ۱۶ پاریس، و به تصریح مطبوعات، در زیر حمایت و پوشش حفاظتی پلیس فرانسه تشکیل شد (علاوه بر ده‌های گاردها (!) یا محافظین شخصی مزدور). این یک مسئله جدی است و در پیوند با آن، سؤالات زیر مطرح می‌شود:

- ۱- وزارتخانه آقای قلبزاده آیا به این خبر توجه کرده‌است؟
- ۲- آیا همه تلقی می‌کنند که جلسه سران عالی‌رتبه مخالفان دولت ایران در زیر حمایت و پوشش پلیس فرانسه تشکیل شود یا نه؟
- ۳- آیا لازم شمرده است یا نه، که بدولت فرانسه اعتراض کند که پلیس خود را محافظ جلسه چهارروزه ضدانقلابیون ایرانی (!) قرار دادند مگر نه این است که این عناصر، که ملنا و رسنا سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی ایران و استقرار سلطنت (!) را هدف خود اعلام کرده‌اند، علیه دولتی که با دولت فرانسه رابطه‌های دارد، رسا و ملنا توطئه میکنند؟
- ۴- اگر بدولت فرانسه اعتراض ندارد، می‌تواند مردم ایران توضیح دهد که: چرا روش دولت فرانسه و حمایت او از ضدانقلابیین را عادی می‌شمارد؟
- ۵- بالاخره چرا دمورد استرداد این جنایتکاران و ضدانقلابی‌های فراری، که در سرزمین فرانسه پناه‌دهنده بر آزاره نیستند، بلکه سرمدساران توطئه‌های براندازی خونین هستند، اقدامی نکرده است؟

## کشایش پارلمان جهانی ملتها در راه صلح در بلغارستان

پارلمان جهانی ملتها در راه صلح، در صوفیه پایتخت بلغارستان، با شرکت نمایندگان بیش از صد کشور جهان تشکیل شد. وظیفه این اجلاس، افزایش تلاش برای پیج ملتها در راه صلح و گسترش تشنج‌زایی است.

روموش جانفرد، رئیس شورای جهانی صلح، در ارتباط با اجلاس صوفیه گفت:

«اجلاس صوفیه، یکی از اقدامات مهم سی سال اخیر در راه صلح است. وی افزود:

«نمایندگان احزاب سیاسی ترقی‌خواه، گروههای مذهبی و جنبش رهنمائی ملی، جوانان و اتحادیه‌های کارگری، در اجلاس شرکت دارند. بدینسان پارلمان جهانی نماینده واقعی جنبش در راه صلح است.»

روموش جانفرد، تأکید کرد: «موقف ساختن مسایله تسلیحاتی و از میان بردن خطر جنگ، شرکت‌کنندگان در صوفیه راه، که دارای عقاید مختلفی هستند، گرد یکدیگر جمع کرده است، زیرا امپریالیستها تلاش دارند دوره جدید مسایله تسلیحاتی را آغاز کنند و دو اقدام خطرناک محافل امپریالیستی، یعنی استقرار موشکهای جدید در اروپای غربی و استراتژی جنگ هسته‌ای محدود، که از طرف کارتر اعلام شده، پیش از پیش اوضاع جهانی را متشنج ساخته است.»

روموش جانفرد، به کارآئی هستکی بین‌المللی یا مبارزه خلقها و بویژه هستکی با مبارزه مردم ویتنام و آنکولا در گذشته، اشاره کرد و گفت:

«تاکنون هفتصد میلیون از مردم جهان، پیام شورای جهانی صلح را در خلق صلح امضاء کرده‌اند.»

## رهبر افغانستان باردیگر آمادگی خود را برای مذاکره با همسایگان اعلام کرد

پیرک کارمل رهبر افغانستان، در نظری که از رادیو کابل پخش شد، باردیگر آمادگی این کشور را برای حل و فصل مسائل با همسایگان افغانستان از طریق مذاکرات صلح آمیز اعلام کرد.

رهبر افغانستان، تأکید کرد که حاضر است با همسایگان افغانستان درباره همه مسائل که پیرامون افغانستان بوجود آمده است، از جمله خروج محدود نیروهای اتحاد شوروی، باز کشور، گفتگو کند. کارمل گفت که بعضی آنکه تجاوز خارجی علیه افغانستان قطع شود، نیروهای محدود اتحاد شوروی از افغانستان خارج خواهند شد.

از طرفی روزنامه هندی «پاتریوت» اعلام کرد که سازمان جاسوسی «سیا» استفاده از با اصطلاح بازرگانان و روزنامه‌نگاران را برای خرابکاری علیه انقلاب افغانستان، افزایش داده است.

«پاتریوت» می‌نویسد: «در ماههای اخیر گروههای زیادی بعنوان «روزنامه‌نگار» و «بازرگان» افغانستان وارد شده‌اند. این عده مأموریت داشته‌اند که بیخ سازمان «سیا» جاسوسی و خرابکاری کنند.»

بنوشته این روزنامه، این گروهها یکی از منابع پخش اراجیف درباره افغانستان هستند، حتی روزنامه هراالدترین نوشته است که بر سر تفرقه و بی‌اعتمادترین گزارشهای مربوط به افغانستان، داستان‌هایی است که از قول این «منابع» پخش می‌شود.

## مذاکرات لئونید بر ژنف، رهبر اتحاد شوروی با وزیر نیروهای مسلح کوبا

لئونید بر ژنف، رهبر اتحاد شوروی، با راتول کاسترو، وزیر نیروهای مسلح کوبا، در مسکو، درباره مسائل مختلف جهانی، مذاکراتی انجام داد. در این مذاکرات، روابط دو کشور نیز مورد بررسی قرار گرفت.



## بیکاری و حشناک در کشورهای بازار مشترک

بیکاری در کشورهای رشد یافته سرمایه‌داری همچنان رو به افزایش است. بوجوب آخرین آمار کیسیون بازار مشترک، شمار بیکاران در کشورهای عضو این بازار به شش میلیون و هشتصد هزار تن رسیده است، که یک حدصاب جدید محسوب می‌شود.

از سوی دیگر زحمتکشان بازار مشترک، علاوه بر بیکاری با بلای تورم نیز دربرو شده‌اند.

## روزنامه ارگان حزب متحد کارگری لهستان نوشت: وحدت مابالاتر از هر چیز دیگر، بمعنای وحدت ایدئولوژیک است

روزنامه تریبونالودو، ارگان مرکزی حزب متحد کارگری لهستان، در سرمقاله خود تأکید می‌کند که در مقابله با مسائل کنونی و فائق آمدن بر نقطه ضعف در کار حزبی، لازم است، حزب متحد کارگری راه که ممکن‌کننده اصول اساسی لنینی یک حزب کمونیست است، بحساب آورد.

این روزنامه می‌نویسد: «وحدت ما بالاتر از هر چیز دیگر، بمعنی وحدت ایدئولوژیک است. و این بیان معنی است که در صفوف حزب باید درباره اصول عمده ایدئولوژی مارکسیسم - لنینیسم اتفاق نظر وجود داشته باشد. این امر همچنین درباره درک درست جوهر مبین‌پرستی و سوسیالیزم در ارتباط تنگاتنگ با آرمان سوسیالیستی صدق می‌کند.»

تریبونالودو می‌افزاید:

«بویژه و مشکلات، افراد را در محک آزمایش قرار داد و دقیقاً در این شرایط است که باید وفاداری حزبی را به معرض نقاشی گذاشت. بسیاری از اعضای حزب دقیقاً امروزه چنین رفتاری دارند و درباره کسانی که نتوانسته‌اند از یوه آزمایش رویدادهای اخیر سر بلند بیرون آیند، پایهای متضایات اوضاع جلو بروند، گمانیکه بر سر مسائل اصولی موضعی غیر حزبی گرفته‌اند، باید گفت این عده به حزب تعلق ندارند. عضویت در حزب منحصراً کارگری لهستان نیز مندر تفریف و تشریح روشن از منی سیاسی و ایدئولوژیک است. در این مورد اسلنامه حزب بسیار روشن است. آنچه که مطرح است این است که، موازین حزبی باید بوسیله همه و در همه اوقات و بوسیله هر عضو حزب، بدون توجه به موقعیت، اجرا شود. در حال حاضر این مسئله در دستور روز قرار دارد که صفوف حزب از افرادی که علاوه خود را از دست داده‌اند و به وسوسه یک زندگی آسان تسلیم شده‌اند و یا در گرداب فساد دست و پا می‌زنند، پاک شود.»

بر خلاف انتهای دشمنان ما، چنین افرادی در صفوف حزب ما انگشت‌نشان‌نمیرند. اما با این همه، آنها می‌توانند اعضاء شریف و اصولی حزب متحد کارگری را بدنام کنند. حزب باید خود را از شر افرادی که تم یک آنرا آلوده می‌کنند و اطمینان به حزب را خدشه‌دار می‌سازند، رها کند. تصفیه این افراد باید بر طبق اسلنامه حزب صورت بگیرد. لازم است با هر نوع تلاش برای بدنام کردن افراد صدیق حزبی و دولتی مبارزه شود و در همان حال قطعاته یا افراد خفاکله مقابله بعمل آید و هیچگونه امتیاز به این قبیل افراد داده نشود.

**نقشه مردم**  
ارگان مرکزی حزب توده ایران  
دارنده امتیاز و مدیر مسئول: منوچهر بهزادی  
خیابان ۱۶ آذر شماره ۶۸  
(دکتر نامه مردم) هنوز در اختیار نامه «مردم» نیست  
**NAMEH MARDOM**  
No. 340  
24 September 1980  
Price:  
West-Germany 0.80 DM  
France 2 Fr.  
Austria 8 Sch.  
England 20 P.  
Belgium 10 Fr.  
Italy 350 L.  
U.S.A. 40 Cts  
Sweden 1.50 Skr.

**برای مقابله با تجاوز نظامی امریکا، تمام خلق باید از نظر نظامی مجهز شود**  
**کمک مالی به حزب توده ایران یک وظیفه انقلابی است**  
دعوت‌شدگان در جشن هروس می‌نمایند  
میلین‌شماره ۱۲۰۸۷۰ ریالی  
علاقتمندان می‌توانند کمک مالی خود را بحساب بانکی به نام «مردم» شماره حساب ۳۳۳۲ شعبه ۱۱۸ بانک ملی ایران (شعبه شاه اسماعیل صفوی)، خیابان شهید دکتر حسین قاضی میردازنده